

آموزشی ابتداری

رشد

ماه نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه
www.roshdmag.ir فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی بیست و یکم - فروردین ماه ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۱۷۲ - صفحه ۴۸ - ۱۱۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

سر مقاله - وقت آن است که بیرون بزنیم / ۲

تقویم ماه - ۴

کت جادویی معلم - ترنندهایی برای رام کردن احساسات/ نوشته چنی مک کی/ ترجمه: حبیب یوسفزاده / ۶

برنامه ی درسی - تلفیق/ بادبادک هوا کنیم/ سپیده چمن آرا/ ۹

● تربیت بدنی/ سواد حرکتی/ دکتر محسن وحدانی/ ۱۶

سلامت - رشد روانی - حرکتی با فعالیت بدنی/ زهرا تسلیمی/ ۱۸

تجربه ی مادرانه - آه ای آزمایشگاه!/ کبری محمودی/ ۲۰

گفت و گو - بازتعریف تربیت متوازن/ نصرالله دادار/ ۲۲

● نوشتار - کاربرد هوش های چندگانه در مدرسه/ بهرام قاسمی نژاد/ ۱۳

● نقش مهارت خواندن در دوران کودکی/ دکتر عبدالعظیم کریمی/ ۳۱

آینده - کلاس درس قرن بیست و یکم/ نوشته دانیل گاه/ ترجمه: بهار رضائی/ ۲۶

تجربه ی آموزشی - تغییر در کلاس ریاضی در هشت قدم/ نغمه حاجی صادقی/ ۲۸

● تجربه ی کاربرد روش تدریس استقرایی/ شیده مهدی زاده/ ۴۲

چند پایه - کلاس چند پایه برنامه ریزی پُرمایه/ فرانک محمدی - عادل ظفری نژاد/ ۳۴

گزارش - اندیشه ی زیبا، مدرسه ی زیبا/ محمدرضا حشمتی/ ۳۶

خاطره - تجربه - هاید ابراهیمی، بنفشه نفیسی/ ۴۰

مدرسه ی زیبای من - خط، رنگ و معنا بر دیوار مدارس/ ۴۴

همراهان / ۴۶



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم تری که در صفحه ی ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: علیرضا متولی
شورای برنامه ریزی:
دکتر فاطمه رضائی، صغری ملکی،
مهندس صادق صادق پور، محبت الله همتی
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
مشاوران این شماره: دکتر محسن وحدانی - رئیس گروه برنامه ریزی
درس تربیت بدنی دوره ی ابتدایی،
مرضیه کهندل - مدرس دانشگاه فرهنگیان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۹۱۷۸
۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag:
پیام نگار: ebtedayi@roshdmag.ir

صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۳۰۸
شمارگان: ۲۷۵۰۰



عکاس: علیرضا افشار آزاد

مرور آدم‌هایی که به زندگی ما وارد یا از آن خارج شده‌اند و از این قبیل مسائل، مصداق بیرون زدن از خود است.

این بیرون زدن از خود، به‌ویژه برای معلمان و آموزگاران، ضروری است. معلم باید توانایی به روز کردن و سرحال آوردن خودش را داشته باشد. معلم بیشتر با آنچه خودش هست و می‌نماید، زندگی را به شاگردانش می‌آموزد تا آنچه به آن‌ها تدریس می‌کند.

بهار فرصت خوبی برای این کار است. چون طبیعت هم چنین کاری را انجام می‌دهد. این هماوایی با هستی کار ما را ساده‌تر می‌کند. این کارها را باید با شادی انجام دهیم و چه فرصتی بهتر از بهار که همگان در نوعی شادی طبیعی به سر می‌برند. و نکته‌ی مهم این است که بتوانیم این

وقت آن است که بیرون بزنیم

● بهار است و بیداری طبیعت به خواب رفته به ما این پیام را می‌دهد که ما نیز از خفتگی و کسالت و خستگی سالی که پشت سر گذاشتیم، بیرون بزنیم! «بیرون زدن» شاید اصطلاحی عامیانه به شمار رود، اما بار معنایی زیبایی دارد.

اگر بتوانیم در این فصل فرصتی برای بیرون زدن به خودمان بدهیم، و اگر این بیرون زدن با هدف انجام گیرد، علاوه بر دستاوردهای شخصی، تأثیراتی در پیرامونمان هم بجا خواهد گذاشت. بیرون زدن جنبه‌های گوناگونی دارد. اولین جنبه‌ای که به ذهن می‌رسد، گردش و تفریح در فضاهای طبیعی است که بسیار هم خوب است و می‌تواند جزو برنامه‌ی دائمی و هروزی‌ی ما تا پایان سال باشد.

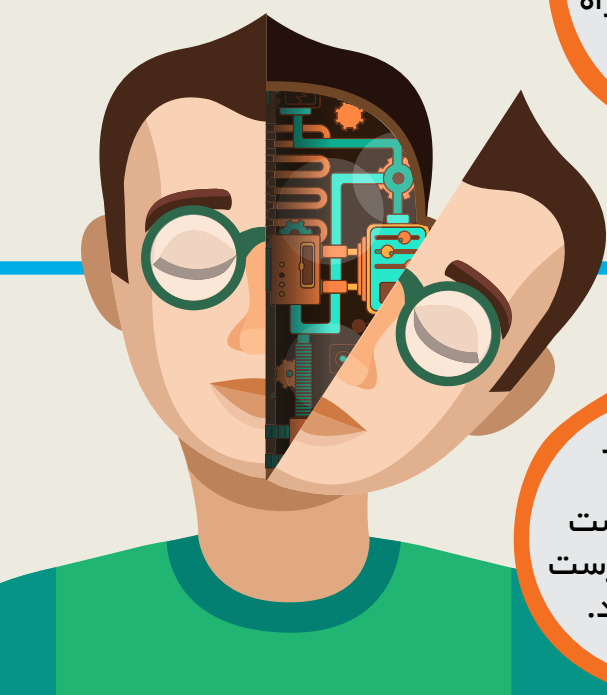
اما آنچه منظور من است، بیرون زدن از خودمان است. باید بتوانیم از خودمان بیرون بزنیم؛ مرور یک سال گذشته و نگاهی به آنچه کرده‌ایم و نوشتن آنچه نکرده‌ایم؛ مرور غم‌ها و شادی‌ها. مرور آنچه به تجربه‌های ما اضافه شده است؛ یادآوری آنچه خوانده‌ایم و آنچه باید بخوانیم و نخوانده‌ایم.

معلم
برای آنکه به ذهن
دانش‌آموز راه یابد،
ابتدا باید به دل او راه
پیدا کند.

دانش‌آموز
فقط زمانی
می‌تواند درست
فکر کند که درست
احساس کند.

اندیشه‌ی معلمی

الهام‌فرستی





بیرون زدن را به کودکان هم یاد بدهیم. شاید ساده‌ترین روش این باشد که کلاس‌ها را تا جایی که امکانات اجازه می‌دهد، در بیرون از فضای کلاس تشکیل بدهیم.

گاهی درباره‌ی خودشان حرف بزنیم و شرايطی فراهم کنیم که آن‌ها درباره‌ی خودشان حرف بزنند. امکانی فراهم کنیم که بتوانند احساس خود را بروز بدهند و افکارشان را با ما و دیگران در میان بگذارند. اجازه بدهیم اشتباه کنند و کمک کنیم اشتباهشان را اصلاح کنند. یادشان بدهیم چگونه خودشان را بررسی کنند و پیش از آن، خودمان یاد بگیریم چگونه خود را بررسی کنیم؛ که به گفته‌ی سقراط، زندگی بررسی نشده ارزش زیستن ندارد.

این فرصت بیرون زدن را از خودمان و دانش‌آموزانمان سلب نکنیم.

دانش
قدرتمندترین
سلاحی است که
انسان برای تغییر
دنیا می‌تواند از آن
استفاده کند.

یکی
از نشانه‌های
منحصر به فرد دانش
«قدرتِ آموختن»
است.

تا زمانی که
فقط روی کارتان تمرکز
می‌کنید، نه روی اینکه
چه کسی هستید،
معلم خوبی
نخواهید شد.





۱ فروردین ماه

آغاز سال نو تولد دوباره‌ی زمین است. در نخستین روز سال خورشیدی ایرانی، برابر با یکم فروردین ماه، جشن آغاز سال نوی ایرانی، یکی از کهن‌ترین جشن‌های به جا مانده از دوران ایران باستان است.

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
۱ معرفی نوروز به‌عنوان یک میراث فرهنگی و جشن ملی؛

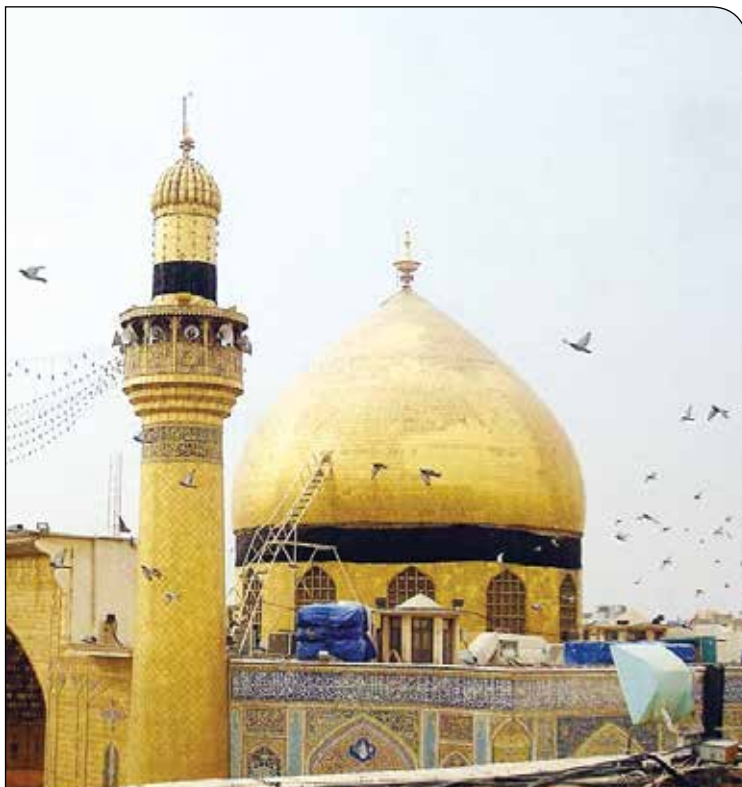
۸ فروردین ماه

ایشان در شب دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری قمری در شهر مدینه به دنیا آمدند. امام رضا (ع) پدر ایشان بودند. هشت یا نه ساله بودند که پدرشان از دنیا رفتند. امام نهم شیعیان (ع) نخستین امامی بودند که در کودکی به منصب امامت رسیدند. ایشان با سن کم در مناظره‌ها و بحث‌های علمی شرکت کردند.

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی

- ۱** بیان شیوه‌ی زندگی ایشان و داستان‌هایی از زندگی این امام؛
- ۲** بیان نام پدر و مادر ایشان و مدت امامتش؛
- ۳** آگاهی از القاب ایشان. امام نهم (ع) به جوادالائمه معروف بودند. جواد به معنی بخشنده است. آن حضرت در صفت بخشنده‌گی و سخاوت مانند پدران بزرگوارشان نمونه و زبانزد بودند؛
- ۴** آگاهی از مکان حرم مطهر آن حضرت که در کنار جدش، امام کاظم (ع)، در شهر کاظمین عراقی قرار دارد.

در صفحه‌ی تقویم ماه تلاش می‌کنیم بعضی از مناسبت‌ها را زیر ذره‌بین ببریم تا ببینیم کدام موقعیت یادگیری یا آموزشی را می‌توانیم از آن استخراج کنیم. گرامیداشت مناسبت‌ها می‌تواند هویت شخصی، ملی و دینی دانش‌آموزان را شکل بدهد و آن‌ها را در جریان چگونگی بعضی شغل‌ها و مناسبت‌ها قرار بدهد. آموزگاران عزیز می‌توانند با رجوع به نشریات رشد دانش‌آموزی و جلب توجه دانش‌آموزان به صفحه‌ی تقویم، موقعیت یادگیری بیشتری برای آن‌ها فراهم کنند. از خوانندگان گرامی درخواست داریم برای پربار شدن این صفحه تجربه‌ها و پیشنهادهای خود را در قالب ارائه شده در این صفحه برای ما ارسال کنند تا به نام خودشان چاپ شود. ■



شهادت امام علی‌النقی (ع)، ملقب به هادی (ع)

۱ فروردین ماه

ایشان در نیمه‌ی ذیحجه‌ی سال ۲۱۲ هجری قمری در شهر مدینه به دنیا آمدند. فرزند امام جواد (ع) و نام مادرشان سمانه است. لقبشان هادی است. در سن هشت سالگی به امامت رسیدند و ۳۳ سال امامت کردند. سیرت امام هادی (ع) بذل و بخشش است.

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی

- ۱** شناخت شرایط اجتماعی زمان امامت امام دهم (ع) و مدت امامت ایشان؛
- ۲** بازگویی داستانی از زندگی امام دهم (ع)؛
- ۳** آگاهی از اینکه حرم مطهر آن حضرت که در شهر سامرا در کشور عراق قرار دارد؛
- ۴** رعایت احترام و انگیزختن علاقه به ائمه‌ی اطهار؛
- ۵** بیان شیوه‌ی زندگی ایشان، به منظور الگوگیری دانش‌آموز؛
- ۶** آگاهی از نام پدر و مادر ایشان؛
- ۷** گفت‌وگو درباره‌ی اینکه چه چیزهایی می‌توانیم از امام هادی (ع) در زندگی خود یاد بگیریم.



مجله‌ی رشد دانش آموز
شماره ۷ - سال تحصیلی ۹۶-۹۷

۱۲ فروردین ماه روز جمهوری اسلامی

امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، روز ۱۲ فروردین را از بزرگ‌ترین عیدهای سیاسی ملت ایران دانستند. در این روز، ۹۸/۲ درصد مردم به برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، به جای نظام پادشاهی، رأی دادند.

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی

- ۱ یادآوری ارزش رأی مردم؛
- ۲ بیان اینکه ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ ثمره‌ی مبارزات علیه ظلم و بی‌عدالتی است؛
- ۳ تبیین شعار اصلی ملت؛
- استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی؛
- ۴ تبیین معنای حکومت جمهوری اسلامی.



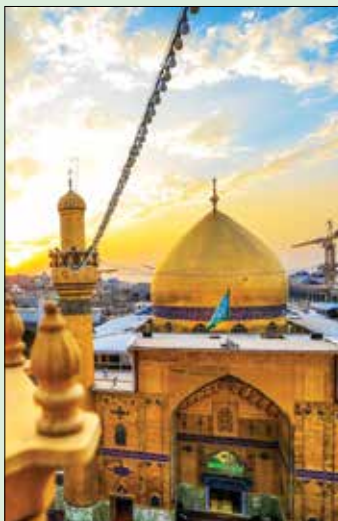
آغاز سال نو (۱۳۹۷) شمسی

- ۲ شناسایی آیین‌های ایرانی نوروز مثل خانه‌تکانی و سفره‌ی هفت‌سین؛
- ۳ گفت‌وگو درباره‌ی دید و بازدید، لباس نو و طبیعت‌گردی؛
- ۴ آگاهی از تقویم شمسی (خورشیدی) و تفاوت آن با تقویم‌های قمری و میلادی؛
- ۵ شناخت مناسبت‌ها و سنت‌های ایران و عیدهای ایرانیان؛
- ۶ آگاهی از زمان سال نو در ایران باستان.

ولادت حضرت علی (ع) و روز پدر (۱۳ رجب)

۱۱ فروردین ماه

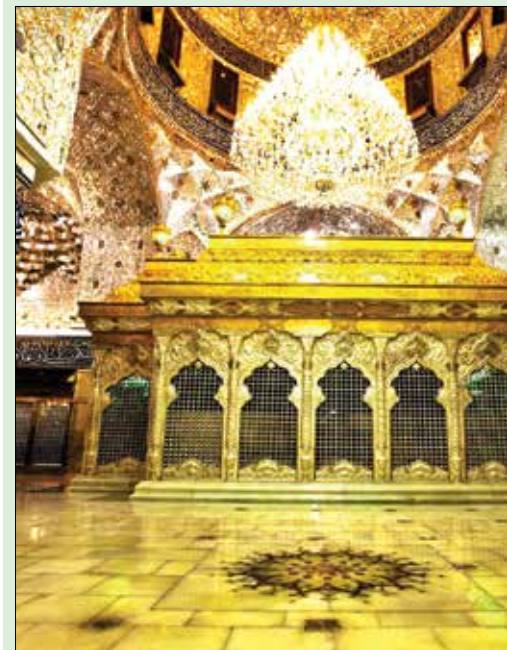
ولادت امام محمد تقی (ع)، ملقب به جواد الائمه (ع)



آن حضرت ۲۳ سال پیش از هجرت پیامبر اکرم (ص)، در سیزدهم ماه رجب دیده به جهان گشودند. پدرشان ابوطالب و مادرشان فاطمه بنت اسد هستند.

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی

- ۱ آشنایی بیشتر با زندگی و مقام والای آن حضرت؛
- ۲ آگاهی از اینکه مادر آن حضرت از جمله بانوانی بود که به پیامبر (ص) ایمان آورد و مسلمان شد؛
- ۳ آگاهی از اینکه تولد ایشان در داخل کعبه اتفاق افتاده است؛
- ۴ گفت و گو درباره‌ی چگونگی به خلافت رسیدن امام علی (ع)؛
- ۵ شناخت رفتارهای عادلانه‌ی ایشان در زمان حکومت به‌عنوان عادلانه‌ترین حکومت تاریخ؛
- ۶ آشنایی با کتاب نهج‌البلاغه که گزیده‌ای از سخنان، خطبه‌ها و نامه‌های ایشان است؛
- ۷ بحث و گفت‌وگو در مورد روز پدر و گرامیداشت شأن پدر در جامعه.



ترفندهایی برای رام کردن احساسات

در شماری قبل، به راه‌های کنترل موقعیت‌های بحرانی در کلاس پرداختیم و گفتیم که اولین گام در کنترل چنین اوضاعی، درنگ کردن و دادن فرصت به خود است تا بتوانیم گام‌های بعدی را منطقی‌تر برداریم. در ادامه چند روش دیگر را مرور می‌کنیم:

مدیریت احساسات با روش تخم‌مرغی

هرگاه احساسات غلبه کند، تفکر فروکش می‌کند. هنگام طغیان سیل‌آسای احساسات چه کنترلی می‌توان داشت؟ معلمی تازه‌کار تعریف می‌کرد: چند روز پیش یک طرح درس عالی آماده

کرده بودم و با اشتیاق تصمیم داشتم آن را در کلاس اجرا کنم. وقتی خواستم درس را شروع کنم، یکی از پسرهای ته کلاس با صدای بلند گفت: «این درس کسالت‌آور!» اصلاً چرا باید این مزخرفاتو بخونیم! بعد یکی دیگر دنبال حرف او را گرفت:

«معلم پارسالی خیلی بهتر بود، این همه چیز تو مغزمون فرو نمی‌کرد، انجام تمرین‌ها اختیاری بود...» یکی دیگر از بچه‌ها گفت: «من یکی به این تمرینا دست نمی‌زنم!» معلم تازه‌کار با لحنی بغض‌آلود ادامه داد: همه‌ی بچه‌ها به من زل زده بودند. یکی مرتب سرجایش وول می‌خورد، یکی تکیه داده بود به پشتی صندلی و سقف را نگاه می‌کرد، چند نفر به همدیگر پوزخند می‌زدند و البته بقیه‌ی کلاس منتظر عاقبت کار بودند. چندتایی هم وانمود می‌کردند سرشان به انجام تمرین‌ها گرم است. نمی‌توانید تصور کنید چه حالی داشتم. احساساتم جریحه‌دار شده بود. با تمام وجود می‌خواستم این گستاخی آن‌ها را





نکته

از غلیان احساسات خود در واکنش به هر رفتار آگاه باشید. آن احساسات را در ذهن خود آهسته بیان کنید. مثلاً واقعاً عصبانی‌ام. دارم از کوره در می‌روم. جانم به لب رسیده... و کم شدن شدت آن را حس کنید. ممکن است لازم باشد این حرف‌ها را چند بار نزد خودتان تکرار کنید. آن‌گاه دست به اقدام بزنید و به رفتارها و شرایط پاسخ دهید، نه واکنش.

خیلی به من برخورد! گفتن چنین چیزی می‌تواند طرف را خلع سلاح کند، چون هم غیرمنتظره است و هم ملامت‌آمیز نیست، بلکه صرفاً بیان واقعیت است. چه بسا دانش‌آموز عمدی در گستاخی نداشته باشد و قصدش فقط شیطنت کودکانه باشد.

۲ با صحنه گذاشتن بر احساس دانش‌آموز اول، می‌توانست کنترل خود را بر اوضاع حفظ کند و مثلاً با گفتن چنین چیزی، از بهانه دادن به دست دانش‌آموزان مورد نظر پیش‌گیری کند؛ بلکه، این تمرین‌ها ممکن است کمی کسل‌کننده به نظر برسند و گند پیش بروند، پس بیایید سریع از آن‌ها رد شویم تا به تمرین‌های جالب و هیجان‌انگیز بعدی برسیم. باشه؟! بعد، لبخند یا چشمکی به آن دانش‌آموز بزنید یا انگشت خود را به علامت «لایک» نشانش دهید. با چنین پاسخی، بهانه‌ی ادامه‌ی بحث و تحریک

راحتی می‌تواند خشمگین شود.» اما خشمگین شدن در مواجهه با شخص مناسب، به اندازه‌ی مناسب، در زمان مناسب و به‌منظور صحیح و به‌طریق درست، کار چندان راحتی نیست. ولی این کار چگونه ممکن است؟ چطور می‌توان احساسات را به‌طور هوشمندانه مدیریت کرد؟ پاسخ در تعریف چپستی احساسات نهفته است. برای تقریب به ذهن، در اینجا از مثال تخم‌مرغ استفاده کرده‌ایم. پیشنهاد می‌شود بعد از خاتمه‌ی بحث، این تخم‌مرغ فرضی را همیشه در جیب کت جادویی خود داشته باشید.

مثال تخم‌مرغ

به شکل ۱ نگاه کنید. در اینجا افکار و احساسات راحت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. هیچ کدام بر دیگری غلبه ندارد. اما با اوج گرفتن احساسات چه اتفاقاتی می‌افتد؟ در شکل ۲ چه اتفاقی برای تفکر افتاده است؟ برای مدیریت اوضاع باید شدت احساسات را کاهش دهیم و تفکر را به جای اولش برگردانیم. فقط در این صورت است که همانند شکل ۳ دوباره می‌توانیم کنترل شرایط را به دست گیریم.



اجازه دهید مشکلات آن معلم تازه کار را بار دیگر مرور کنیم. او می‌توانست به جای خشمگین شدن، برای مدیریت احساسات خود، پاسخ‌های متفاوتی به شرایط بدهد و به یکی از این راه‌ها عمل کند:

۱ می‌توانست در جواب اولین جمله‌ی چالش‌انگیز دانش‌آموز بگوید: این حرف

تلافی کنم. هر قدر که من خشمگین بودم، آن‌ها پررو بودند و مرتب سعی می‌کردند کلاس را علیه من تحریک کنند. اصلاً قدرشناس تلاش‌هایم نبودند. متنفر بودم از آن‌ها.

کمی برای فرو دادن بغض خود سکوت کرد و بعد با آه بلندی دنبال حرفش را گرفت: جانم به لبم رسیده بود. آن پسرهای ته کلاس چند هفته بود روی اعصابم بودند. دیگر تحملشان را نداشتم. گچ را پرت کردم، اما آن‌ها با لبخند موزیانه‌ای به من خیره شده بودند. این کارشان دیوانه‌کننده بود. سر جوزف داد زدم زود باش برو بیرون! او در حالی که همان لبخند موزیانه را به لب داشت، به هم کلاسی‌هایش چشمکی زد و رفت بیرون. آن قدر از این کارش برآشفته شدم که چیزی نمانده بود بگیرمش زیر کتک. اما جلوی خودم را گرفتم. راستش احساس باخت داشتم. دیگر دلم نمی‌خواهد در آن کلاس درس بدهم. از آن بچه‌ها خوشم نمی‌آید. از گستاخی و لبخندهای موزیانه‌ی آن‌ها بیزارم.

این معلم پریشان‌احوال به جایی رسیده بود که می‌خواست قید تدریس را بزند. آن پسرها واقعاً شرایط سختی برایش ایجاد کرده بودند. اما به‌راستی چه اتفاقی افتاده بود؟ چطور این معلم به اینجا رسیده بود؟ علتش چه بود؟ وقتی معلم‌ها با چنین رفتارهای آزاردهنده و تحریک‌آمیزی مواجه می‌شوند، واکنش طبیعی و آنی این است که برآشفته شوند و دانش‌آموزان را لعن و نفرین یا حتی تنبیه کنند. وقتی اجازه می‌دهید چنین احساساتی بر شما غلبه کند، کنترل از دست می‌رود. ارسطو ۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح، در کتاب «اخلاق نیکوماخوسی»^۱ ما را به مدیریت هوشمندانه‌ی احساساتمان دعوت کرده و گفته است: «هر کس به



ممکن است بگوید: خودتان مرکب را آن جا گذاشته بودید، یا چرا همه‌اش به من گیر می‌دهید؟ و ...
به این ترتیب اوضاع بدتر می‌شود، چون منجر به واکنش‌های بعدی معلم می‌شود که حالا باید با خشم تلافی‌جویانه‌ی دانش‌آموز نیز مقابله کند. وقتی تفکر افول می‌کند، احساسات فوران می‌کنند و رشته‌ی امور از دست می‌رود. در این حالت، تا معلم به خودش بیاید، دانش‌آموز مثل عروسک خیمه‌شب‌بازی سرنخ‌های او را به دست گرفته است.

معلم ب، بدون اهانت به شخصیت دانش‌آموز، می‌گوید: «وای وای نگاه کن! جوهر آبی ریخت روی میز و دفتر و کف کلاس. زود کاری بکن. آگه فوری تمیزش نکنی، خشک می‌شود و همه‌جا را کثیف می‌کند...»
به این ترتیب، معلم توجه دانش‌آموز را به رفتار او جلب می‌کند و به او فرصت می‌دهد بدون حس خشم و حالت دفاعی، اشتباه خود را جبران کند.

به یاد داشته باشید

با مدیریت احساسات، بی‌طرفی خود را حفظ کنید. قاعده‌ی تخم‌مرغ را به خاطر داشته باشید و به جای اینکه مسئله را شخصی کنید، بر رفتار دانش‌آموز تمرکز کنید. تمرین کنید در این قبیل موارد فقط مشاهدات خود را بر زبان آورید و شخصیت طرف مقابل را تحقیر نکنید. ■
ادامه دارد.

پی‌نوشت

۱. منسوب به نیکو ماخوس، پسر ارسطو

تناسبی با وخامت اوضاع ندارد. چه بسا خشم او ربط چندانی به شما نداشته و ناشی از دعوا با یک هم‌کلاسی یا مشکلات خانوادگی باشد. حتی اگر شما کاتالیزور و بهانه‌ی فوران آتش خشم او باشید، غرض شخصی پنداشتن و به خود گرفتن آن کمکی به کنترل اوضاع نخواهد کرد.

به رفتار توجه کنید، نه به شخص

تدریس برای تغییر رفتار مستلزم این است که به جای خود دانش‌آموز، بر رفتار او تمرکز و توصیف کنید که آن رفتار چه پیامدهایی داشته است. به‌طور مثال، دو دانش‌آموز دختر در کلاس با هم بگومگو و همدیگر را اذیت می‌کنند تا اینکه یکی از آن‌ها شیشه‌ی مرکب را واژگون می‌کند و همه‌جا جوهری می‌شود.

معلم الف، با تمرکز بر شخص دانش‌آموز، می‌گوید: «چرا این کار را کردی؟ بی‌عرضه‌ی دست و پا چلفتی! همه‌اش گند می‌زنی! آدم به این کودنی نوبر است، مگه عقل توی کله‌ات نیست!»

واکنش طبیعی دانش‌آموز این است که از خودش دفاع و این تهاجم شخصی را به نحوی تلافی کند. مثلاً

هم‌کلاسی‌ها را از دانش‌آموز می‌گیرد. ۳ یا اصلاً می‌توانست با حفظ آرامش، بر احساسات خود صحنه‌گذار و مثلاً پیش خودش بگوید این بچه‌ها دارند اعصابم را خط‌خطی می‌کنند، اما هر چه باشد من بزرگ‌ترم و معلمشان هستم. پس باید نقشه‌ای بکشم.

در دست داشتن کنترل، به معنی در آستین داشتن تمام پاسخ‌ها یا عکس‌العمل مناسب در تمام موارد نیست. بلکه به معنی مدیریت احساسات و در دست داشتن افسار آن‌هاست تا امکان تفکر روشن و منطقی را برای خودمان حفظ کنیم.

در دست داشتن کنترل، نشانه‌ی قدرت یک شخص است و طمأنینه‌ای که به همراه می‌آورد، به‌طور ناخودآگاه در «زبان بدن» متجلی می‌شود. چنین آرامشی این پیام را به دانش‌آموزان القا می‌کند که ما در کار خود واردیم.

به یاد داشته باشید

رفتار بچه‌ها را به خودتان نگیرید. رفتارها نمایانگر احساسات هستند. اگر دانش‌آموزی احساس خشم کند، خصمانه رفتار خواهد کرد. در بیشتر موارد، میزان خشمی که بروز داده می‌شود، معمولاً اغراق‌آمیز است و

معرفی فعالیت

موضوع کلی فعالیت: فعالیتی گروهی شامل طراحی بادبادک کاغذی (به خصوص تصمیم‌گیری درباره‌ی گوشواره‌ها و دنباله‌های زنجیره‌ای آن)؛ تقسیم کار در گروه؛ ساخت و هوا کردن بادبادک‌ها در یک روز بهاری (می‌تواند به صورت مسابقه بین گروه‌ها یا کلاس‌ها یا حتی پایه‌های متفاوت برگزار شود؛ هم در زمینه‌ی زیباترین و هم بالاترین بادبادک)؛

زمان اجرا:

ماه فروردین که بادهای بهاری می‌وزد؛

زمان لازم:

دو جلسه‌ی ۴۰ دقیقه‌ای و یک جلسه خارج از مدرسه؛

روش اجرا:

گروهی، گروه‌های سه نفره؛

پایه‌های تحصیلی مرتبط:

اول، دوم و سوم ابتدایی.

بادبادک هوا کنیم

دانش‌آموزان توانایی‌های متفاوتی دارند. برخی در درک مفاهیم مجرد توانمندتر هستند، بعضی ارتباط‌ها را بهتر از دیگران کشف و درک می‌کنند، بعضی‌ها توانایی‌های جسمانی بهتری دارند و بر کار با دست‌آنها مسلط‌تر هستند، و برخی نیز ذوق هنری و خلاقیت بیشتری نسبت به هم‌سالان خود دارند. فعالیت‌های آموزشی در کلاس درس باید به گونه‌ای باشند که همه‌ی دانش‌آموزان با هر توانمندی و هر نوع هوش، بتوانند در آن به نوعی فعال و سهیم شوند. فعالیت‌های تلفیقی بستر مناسبی برای این موضوع هستند. برخی بر این باورند که «تلفیق برنامه‌ی درسی دو جنبه دارد. نخست تلفیق در کلیت و یکپارچگی، که از بیرون اتفاق می‌افتد و در محتوا یا فرایندها و شیوه‌ها در برنامه‌ی درسی است و دیگری که در درون اتفاق می‌افتد، زمانی است که دانش‌آموزان به صورت شخصی با سؤال‌هایی معنادار مواجه و درگیر تجربه‌هایی می‌شوند که در ساختار و نظام معنایی فکری‌شان تلفیق ایجاد می‌کند. در واقع تلفیق واقعی این است. (ملکی، رویکرد تلفیقی به برنامه درسی، ۱۳۸۲: ۱۰۹-۱۰۸). در مطلب پیش رو، یک فعالیت آموزشی را که با هدف تلفیق دو درس ریاضیات و هنر نوشته شده است به شما معرفی می‌کنیم. ابتدا فعالیت را به طور کلی معرفی و سپس اهداف مربوط به موضوعات مورد نظر درس‌ها را مرور می‌کنیم. روش اجرای فعالیت و آنچه باید در اجرا به آن توجه داشت، در ادامه‌ی مطلب می‌آید. این فعالیت برای دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم دبستان طراحی شده است.





ابزارهای لازم برای هر گروه

- نوارهای رنگی کاغذی به عرض ۲ و به طول ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر (بهتر است برش این نوارها را نیز برعهده خود دانش آموزان در گروه‌ها قرار دهید تا مهارت اندازه‌گیری و کار با ابزار در آن‌ها توسعه یابد)؛
- شبه‌لوزی‌هایی از جنس کاغذ نازک برای بدنه‌ی بادبادک در اندازه‌های مناسب (برای هر گروه یک عدد). (می‌توانید ترسیم و برش این صفحه‌ها را نیز برعهده خود دانش آموزان بگذارید تا شناخت شکل‌های هندسی و مهارت اندازه‌گیری و کار با ابزار در آن‌ها توسعه یابد)؛
- وسایل تزئینی که دانش آموزان از منزل آورده‌اند (جلسه‌ی قبل از آن‌ها خواسته شده است)؛
- شابلون شکل‌های هندسی، خط‌کش و پرگار (دانش آموزان پایه‌ی سوم برای ترسیم شکل‌های هندسی از ابزار استفاده می‌کنند، ولی دانش آموزان اول و دوم با شابلون کار می‌کنند)؛
- چسب و قیچی؛
- نی و حصیر برای اسکلت بادبادک؛
- نخ قرقره‌ی مناسب.

جدول‌های اهداف درس‌های تلفیق‌شده در فعالیت «بادبادک هوا کنیم»

اهداف کلی اول ابتدایی	موضوع	درس
شناخت شکل‌های هندسی: تشخیص شکل‌ها، بیان نام شکل‌ها و اجزای آن‌ها (ضلع و گوشه).	شکل‌های هندسی	ریاضی: هندسه و اندازه‌گیری
درک مفهوم تقارن: تشخیص شکل‌هایی که خط تقارن دارند (دو نیمه‌ی مثل هم) و توصیف آن دو نیمه؛ تشخیص و ترسیم خط تقارن؛ تکمیل نیمه‌ی دیگر یک شکل متقارن؛ نمایش یا ساخت شکل متقارن با تا کردن و کپی کردن.	تقارن	
رسم شکل‌ها با استفاده از شابلون.	استفاده از ابزار	
اندازه‌گیری طول‌ها با واحدهای غیراستاندارد و مقایسه‌ی آن‌ها؛ بیان اندازه‌ی اشیاء با استفاده از اشیاء کوچک‌تر از آن؛ بیان نتیجه‌ی اندازه‌گیری با استفاده از واحدهای مناسب.	اندازه‌گیری	
تشخیص و ادامه‌ی الگوهای هندسی با استفاده از رنگ؛ تشخیص واحد تکرارشونده و ادامه دادن الگو.	الگوها	علوم
درک وجود هوا در اطراف ما و وزش باد.	زمین و پیرامون ما	
رعایت جنبه‌های زیباشناختی در تولید اثر هنری، با رعایت پاکیزگی، نظم و تناسب عناصر در فرایند و محصول تولید هنری.	زیبایی‌شناسی	هنر
آشنایی با طبیعت، با ایده گرفتن از آن در تولید هنری و توجه به حفظ و نگهداری آن.	ارتباط با طبیعت	
آشنایی با میراث فرهنگی، با ایده گرفتن از میراث فرهنگی ایران در تولید هنری و توجه به حفظ و نگهداری آن.	آشنایی با میراث فرهنگی	
توانایی بیان پیام در تولید هنری با انتخاب و پرورش و اجرای ایده.	تولید هنری	
نگهداری و کاربرد درست ابزار و مواد، و رعایت بهداشت و ایمنی آن‌ها.	استفاده‌ی مناسب از ابزار	شایستگی‌های عمومی
مسئولیت‌پذیری؛ مشارکت در کار گروهی؛ توجه به ارزش‌های ملی و مذهبی.		

(منبع جدول‌ها: راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی - ویژه‌ی معلمان ابتدایی - وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)

درس	موضوع	اهداف کلی دوم ابتدایی	صفحه‌های مرتبط
ریاضی: هندسه و اندازه	شکل‌های هندسی	آشنایی با شکل‌های هندسی: تشخیص شکل‌ها؛ ترسیم شکل‌ها، شناخت اجزای آن‌ها (ضلع و گوشه)؛ مقایسه‌ی شکل‌های هندسی.	صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰ و ۴۳ و ۸۲ و ۸۹
	تقارن	درک تقارن دو نیمه‌ای و چهار قسمتی (تقارن محوری و تقارن مرکزی): تشخیص شکل‌هایی که خط تقارن دارند (دو نیمه‌ی مثل هم) و توصیف آن دو نیمه؛ تشخیص و ترسیم خط تقارن؛ تکمیل نیمه‌ی دیگر یک شکل متقارن.	صفحه‌های ۹ و ۴۶ تا ۵۲ و ۶۶
	اندازه‌گیری	اندازه‌گیری طول‌ها با واحدهای غیراستاندارد و مقایسه‌ی آن‌ها و آشنایی با واحدهای اندازه‌گیری طول.	صفحه‌های ۷۴ تا ۷۹ و ۸۲ تا ۸۹
	الگوها	کسب مهارت مدل‌سازی با شکل‌های هندسی، براساس الگوی داده شده.	صفحه‌های ۱۲، ۱۴، ۴۱، ۴۲، ۵۳، ۶۶
هنر	زیبایی‌شناسی	رعایت جنبه‌های زیباشناختی در تولید اثر هنری، با رعایت تعادل و توازن در فرایند و محصول تولید هنری.	
	ارتباط با طبیعت	آشنایی با طبیعت، با ایده گرفتن از آن در تولید هنری و توجه به حفظ و نگهداری آن.	
	آشنایی با میراث فرهنگی	آشنایی با میراث فرهنگی، با ایده گرفتن از میراث فرهنگی ایران در تولید هنری، و توجه به حفظ و نگهداری آن.	
	تولید هنری	توانایی بیان پیام در تولید هنری، با انتخاب و پرورش و اجرای ایده.	
	استفاده مناسب از ابزار	نگهداری و کاربرد درست ابزار و مواد، و رعایت بهداشت و ایمنی آن‌ها.	
شایستگی‌های عمومی	مسئولیت‌پذیری؛ مشارکت در کار گروهی؛ توجه به ارزش‌های ملی و مذهبی.		

درس	موضوع	اهداف کلی سوم ابتدایی	صفحه‌های مرتبط
ریاضی: هندسه و اندازه	شکل‌های هندسی	درک مفهوم چندضلعی‌ها و اجزای آن‌ها؛ درک مفهوم دایره و اجزای آن و رسم دایره با ابزارهای مختلف (اشیای گرد، نخ و پرگار).	صفحه‌های مربوطه در کتاب ریاضی سوم
	تقارن	کسب مهارت در تشخیص شکل‌های متقارن با بیش از یک محور تقارن؛ تشخیص و ترسیم خط تقارن؛ تکمیل نیمه‌ی دیگر یک شکل متقارن؛ کسب مهارت در ساخت شکل متقارن.	صفحه‌های ۱۹ تا ۲۱
	اندازه‌گیری	اندازه‌گیری طول‌ها با واحدهای استاندارد.	صفحه‌های مربوطه در کتاب ریاضی سوم
	زیبایی‌شناسی	رعایت جنبه‌های زیباشناختی در تولید اثر هنری با رعایت تعادل و توازن در فرایند و محصول تولید هنری.	
هنر	ارتباط با طبیعت	آشنایی با طبیعت، با ایده گرفتن از آن در تولید هنری، و توجه به حفظ و نگهداری آن.	
	آشنایی با میراث فرهنگی	آشنایی با میراث فرهنگی، با ایده گرفتن از میراث فرهنگی ایران در تولید هنری، و توجه به حفظ و نگهداری آن.	
	تولید هنری	توانایی بیان پیام در تولید هنری با انتخاب و پرورش و اجرای ایده.	
	استفاده مناسب از ابزار	نگهداری و کاربرد درست ابزار و مواد، و رعایت بهداشت و ایمنی آن‌ها.	
شایستگی‌های عمومی	مسئولیت‌پذیری؛ مشارکت در کار گروهی؛ توجه به ارزش‌های ملی و مذهبی.		

شرح مراحل اجرای فعالیت

همچنین، درباره‌ی جنبه‌ی هنری رنگ‌های استفاده شده در زنجیره‌های هر گروه و ترکیب ایجاد شده نیز بحث کنید.

ب) جلسه‌ی دوم؛ ساخت بدنه‌ی بادبادک؛ ۴۰ دقیقه

۶ وسایل را در اختیار گروه‌ها قرار دهید و یادآوری کنید قرار است بدنه‌ی بادبادک ساخته شود. مراحل ساخت را گام به گام آموزش دهید و اجرا کنید.

۷ پس از ساخت بدنه‌ی بادبادک‌ها و وصل کردن زنجیره‌ها، نوبت به تزئین بادبادک می‌رسد. به دانش‌آموزان توضیح دهید که تصویر روی بادبادک باید متقارن باشد (برای دانش‌آموزان سوم ابتدایی می‌توانید متقارن بودن نسبت به دو قطر را تکلیف کنید). دانش‌آموزان با استفاده از شابلون و ابزارهای دیگر، با کاغذ رنگی، شکل‌های هندسی را می‌زنند و روی بادبادک می‌چسبانند. همچنین می‌توانند از وسایلی تزئینی که خودشان آورده‌اند نیز استفاده کنند. پس از اینکه تزئین بادبادک‌ها تمام شد، نوبت وصل کردن نخ به بدنه‌ی بادبادک می‌رسد. توجه کنید که این کار بسیار حساس است و باید به‌صورت مناسب انجام شود.

۸ پس از اینکه کار همه‌ی گروه‌ها تمام شد، بادبادک‌ها را جلوی کلاس آویزان کنید و درباره‌ی تقارن‌های آن‌ها، شکل‌های استفاده شده و جنبه‌های هنری کارها بحث و تبادل نظر کنید.

ج) جلسه‌ی سوم؛ به بادسپاری بادبادک

۹ با توجه به گزارش هواشناسی منطقه‌ی خود، دانش‌آموزان کلاس را به محل مناسبی که درخت نداشته باشد و هوا در آن به خوبی جریان داشته باشد، مانند مناطق مرتفع، ببرید و هوا رفتن بادبادک‌ها را به مسابقه بگذارید. درس مربوط به علوم تجربی اول ابتدایی (هوا در اطراف ما وجود دارد) را در این فضا تدریس کنید. ■



الف) جلسه‌ی اول؛ برش نوارهای کاغذی و ساخت دنباله‌های بادبادک؛ ۴۰ دقیقه

۱ دانش‌آموزان را به گروه‌های سه نفری تقسیم کنید.
۲ توضیح دهید قرار است با هم گروهی‌هایشان یک بادبادک بسازند. شکلی از بادبادک را روی تخته بکشید یا عکسی از آن را به دانش‌آموزان کلاس نشان بدهید و اجزای آن را مرور کنید:
- **بدنه‌ی اصلی:** شکل شبه‌لوزی که دو قطر عمود بر هم دارد.
- **اسکلت:** شامل دو نی عمود برهم که روی قطرهای بدنه چسبانده می‌شوند.

- **گوشواره‌ها:** شامل حلقه‌های تو در تو که به تعداد برابر در دو طرف بدنه نصب می‌شوند.

- **دنباله:** شامل حلقه‌های تو در تو که در پایین بدنه نصب می‌شوند.

۳ کاغذهای رنگی را در کلاس و روی میز معلم بگذارید. دانش‌آموزان هر گروه با مشورت هم، برای گوشواره‌ها، دنباله‌ی بادبادک و الگوی آن (بر اساس تعداد و رنگ زنجیره‌ها) تصمیم می‌گیرند.

۴ اندازه زدن روی کاغذ رنگی و برش نوارها به تعداد لازم و ساخت زنجیره از این نوارهای کاغذی، مرحله‌ی بعدی فعالیت است. در صورت لزوم، ساخت زنجیره را به دانش‌آموزان بیاموزید.

۵ پس از اتمام کار تمام گروه‌ها، زنجیره‌های همه‌ی گروه‌ها را رو به روی کلاس آویزان کنید و درباره‌ی الگوی هریک بحث کنید. اگر زنجیره‌ای درست ساخته نشده (یعنی الگوی مشخصی ندارد)، یا اگر در زنجیره‌های دو گوشواره تقارن وجود ندارد و موارد مشابه دیگر، با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنید.



کاربرد هوش‌های چندگانه در مدرسه

روش سخنرانی در آموزش کارآمد نیست و هرگز هم نبوده است. برای ایجاد اشتیاق بیشتر و یادگیری بهتر، دانش‌آموزان را باید به‌نحوی با موضوع درس درگیر کرد. البته باید توجه داشت که به‌خاطر تفاوت‌های فردی، همه‌ی انسان‌ها با یک روش درگیر نمی‌شوند. حال مسئله این است که چگونه می‌توان به نیاز افراد، به‌گونه‌ای علمی و عملی، پاسخ داد تا همه‌ی دانش‌آموزان مطالب درسی را به‌خوبی فرا بگیرند و در عین حال از رفتن به مدرسه لذت ببرند.

«بزرگ‌ترین اشتباه قرن‌های گذشته در آموزش این بوده که با همه‌ی دانش‌آموزان به‌گونه‌ای برخورد می‌شده است که گویی همگی مانند هم هستند. با این توجیه، همه‌ی مطالب به شیوه‌ای یکسان آموزش داده می‌شد.»
هوارد گاردنر

صفحه‌ی ماقبل پشت جلد مجله مراجعه کنید)

نظریه‌ی هوش‌های چندگانه کاربردهای فراوانی در کلاس درس دارد که در سال‌های اخیر مورد توجه مدارس پیشرو دنیا قرار گرفته است. از نظر گاردنر، به‌دلیل تفاوت‌های فردی، توانایی‌ها و شیوه‌های یادگیری در اشخاص متفاوت است و عادلانه نیست که آموزش و ارزشیابی برای همه‌ی افراد به شیوه‌ای یکسان انجام شود. به‌راحتی و با کمی خلاقیت می‌توان از توانایی‌های متنوع دانش‌آموزان در آموزش و ارزشیابی بهره جست. «هر چیزی را که ارزش آموزش دارد می‌توان به بیش از یک روش ارائه داد. برای تنوع در روش ارائه، هوش‌های چندگانه ابزار مؤثری است.»

هوارد گاردنر

به‌طور مرسوم، هوش‌های چندگانه معمولاً در سایه‌ی «هوش‌های تحصیلی» (یعنی دو هوش منطقی - ریاضی، و زبانی - کلامی) قرار می‌گیرند و رنگ می‌بازند. به این دلیل، به این دو «هوش‌های تحصیلی» گفته می‌شود که معمولاً در مدارس بیشتر از سایر هوش‌ها مورد توجه هستند. باید توجه داشت، ابعاد توانایی‌های انسان فراتر از تنها دو هوش منطقی - ریاضی و زبانی - کلامی است و در آموزش و ارزشیابی می‌توان از آن‌ها نیز بهره برد. دانش‌آموزان را می‌توان در آموزش و ارزشیابی به شکل‌های متنوع با موضوع درس درگیر کرد و جذابیت مدرسه را برای آن‌ها افزایش داد.

قدرت استفاده از هوش‌های چندگانه در این است که اگر درس هوشمندانه و با توجه به ویژگی‌های فردی طراحی شود، دانش‌آموزان همه‌جانبه درگیر می‌شوند و می‌توانند به روش دلخواه خود و با استفاده از هوش یا هوش‌هایی که ترجیح می‌دهند، درک خود را از موضوع مورد بحث نشان

برخی از افراد ترجیح می‌دهند نقاشی بکشند و طراحی کنند (هوش فضایی). برخی ترجیح می‌دهند دست‌ورزی کنند و فعالیت‌های حرکتی انجام دهند (هوش بدنی - حرکتی). برخی نسبت به ریتم و موسیقی حساس‌ترند (هوش موسیقایی). برخی با استدلال بهتر یاد می‌گیرند (هوش منطقی - ریاضی). برخی ترجیح می‌دهند درباره‌ی موضوعی بخوانند یا بنویسند (هوش زبانی - کلامی). برخی با تفکر و در تنهایی بهتر یاد می‌گیرند (هوش درون‌فردی). برخی در گفت‌وگو با دیگران و انجام کارهای گروهی بهتر یاد می‌گیرند (هوش بین‌فردی). برخی نیز به طبیعت و محیط زیست علاقه‌مندند و طبقه‌بندی حیوانات و گیاهان را دوست دارند (هوش طبیعت‌گرا). (برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به جدول «هوش‌های چندگانه در یک نگاه» در

هوش‌های چندگانه چیست؟

اکنون چند سالی است که بحث هوش‌های چندگانه مطرح شده و نظر روان‌شناسان، معلمان و متخصصان علوم تربیتی را به خود جلب کرده است. از زمانی که روان‌شناس معاصر هوارد گاردنر نظریه‌ی هوش‌های چندگانه را مطرح کرد، طولی نکشید که این نظریه دنیای روان‌شناسی و علوم تربیتی را متحول کرد و به ابزاری نیرومند در دستان معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی تبدیل شد.

پیش از این، هوش عمدتاً توانایی درک منطقی - ریاضی و زبانی - کلامی تلقی می‌شد. تصور بر این بود که هوش ثابت است و با انجام آزمون هوش قابل سنجش. گاردنر با انجام آزمایش‌های مختلف و سال‌ها تحقیق به این نتیجه رسید که هوش فراتر از این است و هشت نوع هوش یا استعداد وجود دارد.



بدنی - حرکتی، فضایی، و بین فردی با انجام فعالیت حرکتی و پیدا کردن جای درست اعداد به طور گروهی، برای آموزش جدول سودوکو در درس ریاضی. (عکس ۲) ● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی، بدنی - حرکتی، فضایی، و بین فردی با حرکت دادن ماشین‌های اسباب‌بازی در جهت‌های گوناگون، برای تقویت درک فضایی و آموزش جهت‌های چپ و راست در درس ریاضی. (عکس ۳)

● استفاده از هوش‌های بدنی - حرکتی، فضایی، و طبیعت‌گرایی با پاشیدن آب در هوا، برای بحث تجزیه‌ی نور هنگام تشکیل رنگین کمان در درس علوم. (عکس ۴) ● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی، بدنی - حرکتی، فضایی، و بین فردی با کشیدن مثلث و اشکال دیگر هندسی روی زمین و ایستادن روی آن‌ها به طور گروهی، برای آموزش اشکال هندسی در درس ریاضی. (عکس ۵)

● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی، بدنی - حرکتی، و فضایی، با باد کردن بادکنک به عنوان کره‌ی زمین، کشیدن خط استوا و نوشتن روی بادکنک، برای آموزش خط استوا، نیم‌کره‌های شمالی و جنوبی، و موقعیت کشورها از جمله ایران روی کره‌ی زمین در درس علوم. (عکس ۶) ● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی،

می‌گردد. احتمالاً بسیاری از این فعالیت‌ها و فعالیت‌هایی مشابه این‌ها را معلمان هم اکنون انجام می‌دهند. نکته این است که هوش‌های چندگانه به طراحی آموزشی نظم فکری بیشتری می‌دهد و به معلمان کمک می‌کند به خلاقیت خود جهت بدهند. به این صورت، معلمان می‌توانند طراحی آموزشی را قوی‌تر و با توجه به نیازها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان انجام دهند.

لطفاً توجه داشته باشید که گرچه هوش‌های چندگانه هر یک بر توانایی کاملاً متفاوتی دلالت دارند، در عمل، در ترکیب با هم استفاده می‌شوند. به طور مثال، نوازنده‌ی ارکستر مسلماً از هوش موسیقایی خود استفاده می‌کند. اما او در عین حال، برای بیان احساس خود از طریق موسیقی از هوش درون فردی، برای هماهنگی با دیگر افراد گروه از هوش بین فردی، برای استدلال قطعه‌ای که می‌نوازد از هوش منطقی - ریاضی، و برای نواختن ساز از هوش بدنی - حرکتی خود، به طور هم‌زمان با هوش‌های دیگر، استفاده می‌کند.

● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی، بدنی - حرکتی، فضایی، و بین فردی، با انجام بازی ورجین (بندبازی) در گروه‌های دوفره، برای آموزش اشکال هندسی در درس ریاضی. (عکس ۱) ● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی،

دهند. با به کارگیری هوش‌های چندگانه جان تازه‌ای به کلاس بخشیده می‌شود و فرایند یاددهی - یادگیری، خلاقانه، متنوع و لذت‌بخش می‌شود.

در جامعه باور نادرستی فراگیر شده است که تنها راه یادگیری مطالب از طریق مطالعه یا گوش دادن به سخنان معلم است، و تنها راه ارزیابی آموخته‌ها پاسخ دادن به سؤال‌های چندگزینه‌ای یا تشریحی است. این اصلاً درست نیست. برای آموزش هر موضوعی بیش از یک راه وجود دارد. برای ارزیابی آموخته‌ها هم بیش از یک راه وجود دارد. هوارد گاردنر

هوش‌های چندگانه در عمل

هوش‌های چندگانه ابزار نیرومندی است که با ایجاد تنوع در طراحی و ارائه‌ی درس، فضای آموزشی را شادتر و غنی‌تر می‌کند. در ضمن، از نظر شیوه‌ی بیان نیز به دانش‌آموزان آزادی عمل می‌دهد تا تکالیفی را که به صورت پروژه و عملکردی داده می‌شود، با تکیه بر توانایی‌های خود انجام دهند. در اینجا چند نمونه از روش‌هایی که از هوش‌های چندگانه در دبستان کوروش اجرا می‌شود معرفی



عکس ۵



عکس ۷



عکس ۸



عکس ۹



عکس ۱۱



عکس ۱۰



عکس ۱۲

سخن پایانی

به کمک هوش‌های چندگانه می‌توان در نگارش طرح درس و چگونگی ارائه‌ی مطلب از تنوع بیشتری استفاده کرد تا از توانایی‌های متنوع دانش‌آموزان بهره جست. اگر در تدریس از روش‌های سنتی و معلم‌محور استفاده شود، همیشه عده‌ای از دانش‌آموزان موفق جلوه می‌کنند (آن‌ها که از نظر هوش‌های تحصیلی، یعنی منطقی - ریاضی و زبانی - کلامی قوی‌ترند)، و عده‌ای هم (که توانایی‌های دیگری دارند) ناتوان جلوه می‌کنند، چرا که به تدریج دچار درماندگی می‌شوند. استفاده از هوش‌های چندگانه و توجه به توانایی‌های فردی، توانمندی معلمان را در طراحی آموزشی و ارائه‌ی درس بیشتر می‌کند، میزان یادگیری و اشتیاق دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و موجب شادابی و طراوت فضای آموزشی مدرسه می‌شود. ■

منابع

۱. آرمسترانگ، توماس (۱۳۹۰). *هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس*. (ترجمه‌ی مهشید صفری). تهران: انتشارات مدرسه. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۹).
۲. فلیته‌م، مایک (۱۳۹۱). *هوش‌های چندگانه*. (ترجمه‌ی بهرام قاسمی‌نژاد). تهران: انتشارات فراوان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۷).

حرکتی، درون‌فردی، و زبانی - کلامی با کشیدن نقاشی مرتبط با مفهوم شعر و بیان منظور خود از نقاشی، برای نشان دادن درک ادبی به‌عنوان ارزشیابی در درس فارسی.

● در قسمت بالای نقاشی، دانش‌آموزی حضرت یوسف (ع) را در ته چاه کشیده که به‌خاطر وجود او نورانی شده و کلبه‌ای که به‌خاطر نبودن او تاریک است. از سوی دیگر، در قسمت پایین نقاشی، با پیدا شدن و خارج شدن حضرت یوسف، چاه دیگر نورانی نیست و کلبه روشن شده است. به این ترتیب، این دانش‌آموز ترجیح داده برای بیان منظور خود، علاوه بر هوش زبانی - کلامی، از هوش‌های دیگری نیز استفاده کند. این روش به دانش‌آموزان حس خوبی می‌دهد، چون می‌توانند با استفاده از توانمندی‌های منحصر به فرد خود کارهای متفاوتی ارائه دهند. (عکس ۱۱)

● استفاده از هوش‌های فضایی، بدنی - حرکتی، درون‌فردی، بین‌فردی، طبیعت‌گرایی، و زبانی - کلامی با درست کردن صورتک‌های چوبی در حالت‌های مختلف، برای بیان احساس و گفت‌وگو درباره‌ی انواع احساسات در آموزش مهارت‌های زندگی. (عکس ۱۲)

بدنی - حرکتی، فضایی، و بین‌فردی با کار گروهی در ساخت ماکت، برای موضوع شهروندی و انواع خانه‌ها در درس اجتماعی. (عکس ۷)

● استفاده از هوش‌های بدنی - حرکتی، فضایی، بین‌فردی، و طبیعت‌گرایی برای آموزش تغییر زاویه‌ی تابش نور خورشید به زمین در فصل‌های مختلف در درس علوم. در این فعالیت، دانش‌آموزان جهت‌گیری‌های مختلف کره‌ی زمین را در فصل‌های مختلف با حالت بدن خود نشان می‌دهند. (عکس ۸)

● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی، بدنی - حرکتی، و فضایی با حرکت روی محور اعداد مطابق با مسئله یا الگوی داده شده، برای آموزش جمع و تفریق اعداد صحیح و الگویابی در محور اعداد در درس ریاضی. (عکس ۹)

● استفاده از هوش‌های منطقی - ریاضی، بدنی - حرکتی، فضایی، درون‌فردی، بین‌فردی، و زبانی - کلامی با کشیدن نقاشی نیمه‌ی دیگر تصویر خود، برای تمرین تقارن در درس ریاضی. در این تمرین، دانش‌آموزان باید عکس خود را از وسط نصف کنند، نیمه‌ی بریده شده را با رعایت تقارن بکشند و درباره‌ی حالت چهره‌ی یکدیگر گفت‌وگو کنند. (عکس ۱۰)

● استفاده از هوش‌های فضایی، بدنی -

سواد حرکتی

تسلط بر مهارت‌های بنیادین تحرك و ورزش

سواد حرکتی مفهومی به نسبت جدید است که با اندازه‌گیری، تغییر، سلامت و حال خوب در طول عمر ارتباط دارد. در حال حاضر، سواد حرکتی با ظرفیت فرد برای داشتن زندگی سالم و فعال تعریف می‌شود. سواد حرکتی توسعه‌ی مهارت‌های بنیادین حرکتی و ورزشی است که به کودک اجازه می‌دهد با انگیزه، اعتماد به نفس و کنترل، در طیف وسیعی از فعالیت‌های بدنی و موزون و شرایط ورزشی حرکت کند و در قبال شرایط محیطی موجود و براساس ادراک خود، واکنش مناسب نشان دهد. سواد حرکتی ترکیبی از تسلط بر مهارت‌های بنیادین حرکتی و ورزشی است که کودک را قادر می‌سازد حرکات مداوم محیط پیرامونش را نگاه کند و براساس درکش از محیط تصمیم دقیقی بگیرد.

ویژگی‌های افراد با سواد حرکتی

- نه تنها توانمند هستند، بلکه به ظرفیت‌های حرکتی که به آن‌ها ارزانی شده اعتماد دارند.
- انگیزه‌ی آنان با تمرکز بر بعد جسمانی بیشتر می‌شود.
- از انجام حرکات لذت می‌برند.
- توانایی و قابلیت‌های جسمانی خود را به نمایش می‌گذارند.
- از برخورد با چالش‌ها لذت می‌برند.
- خود را برای تلاش و مشارکت در فعالیت‌های بدنی آماده می‌کنند.
- با داشتن دامنه‌ای از قابلیت‌های حرکتی، قادرند با انواع محیط‌های آشنا و جدید تعامل مؤثر و پویا برقرار کنند.
- هرچه دامنه‌ی این قابلیت‌ها و توانایی‌ها بیشتر باشند، افراد بهتر می‌توانند به نیازهای جسمی خود در محیط مورد نظر پاسخ دهند. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا انسان‌ها در نتیجه‌ی تعامل با محیط رشد و پیشرفت می‌کنند.
- توسعه دادن سواد حرکتی به همکاری همه‌ی افراد از جمله اولیا، پرسنل مدرسه، مسئولان محلی و شهر نیاز دارد.
- در دوران کودکی تا قبل از سنین مدرسه، مهم‌ترین افرادی که وظیفه‌ی رشد سواد

حرکتی را بر عهده دارند، والدین یا سرپرستان هستند، چرا که این دوره مرحله‌ای بحرانی در پایه‌گذاری سواد حرکتی است. والدین یا سرپرستان فرصت‌های زیادی را در اختیار نوجوانان قرار می‌دهند و آن‌ها را برای حرکت و ورزش در منزل و بیرون تشویق می‌کنند.

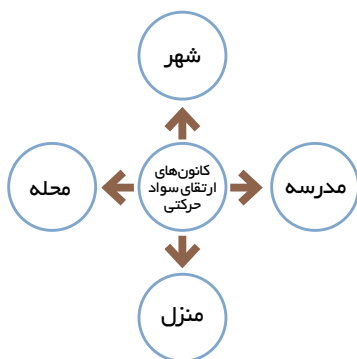
زمانی که کودک به مدرسه می‌رود، گروه جدیدی از افراد شاخص به انجام وظیفه می‌پردازند. این گروه همان معلمان هستند. همه‌ی معلمان، اعم از معلمان آموزش ابتدایی و معلمان تربیت بدنی، باید اهمیت و ارزش سواد حرکتی را بشناسند و بدانند که وظیفه‌ی آن‌ها در برنامه‌های تربیتی و آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد.

آنچه در مدرسه قابل انتظار است:

۱. تلفیق درس‌ها با تربیت بدنی: تلفیق تربیت بدنی با موضوعات درسی، صرف‌نظر از افزایش میزان یادگیری، به دانش‌آموزان، معلمان و اولیای مدرسه فرصتی می‌دهد تا با هم به صورت تیمی و گروهی کار کنند و با شناختی که از اثربخشی و کارایی این برنامه به دست می‌آورند، تربیت بدنی و ورزش را بازی تلقی نکنند، بلکه آن را



یک موضوع درسی واقعی به حساب آورند. مهارت‌های ادراکی- حرکتی، مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های غیر حرکتی و مهارت‌های دستکاری، چهار ستون اصلی ساخت سواد حرکتی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند علاوه بر ارتقای مهارت‌های ورزشی، یادگیری بقیه‌ی درس‌ها و علوم را در دانش‌آموزان افزایش دهند.





هستند که دانش‌آموزان می‌توانند در آنها شرکت کنند.

۴. برگزاری اردوها و تفریحات ورزشی:

تدارک فرصت‌های بازی و جست‌وجو در اردوها و تفریحات ورزشی و انجام فعالیت‌های ماجراجویانه در فضاهای باز و مفرح، زمینه‌ساز افزایش مهارت‌های شخصی، اجتماعی، عاطفی (افزایش سلامت اندام و تن‌درستی، افزایش مهارت‌های کلیدی مانند تفکر و ارتباطات، ایجاد انگیزه و علاقه‌ی همه‌ی دانش‌آموزان) و توانمندسازی دانش‌آموزان در جهت مسئولیت‌پذیری آنان است.

۵. پویا کردن حیات مدرسه: ترسیم

شکل‌های هندسی و تصویرها در کف حیاط و دیوارهای مدرسه فرصتی فراهم می‌کند که دانش‌آموزان در زنگ تفریح به انجام فعالیت‌های حرکتی ترغیب شوند. این شکل‌ها و تصویرها باید به گونه‌ای باشند که ضمن ایجاد تحرک و نشاط در دانش‌آموزان، بتوانند زمینه‌ی تلفیق تفکر و حرکت را ایجاد کنند تا روحیه‌ی ماجراجویانه و تفکر در آنان پرورش یابد. ■

منابع:

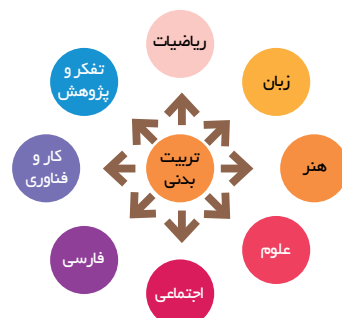
1. Whitehead, M., & Murdoch, E. (2006). Physical literacy and physical education: Conceptual mapping. *Physical Education Matters*, 1(1), 6-9.
2. Whitehead, M. (Ed). (2010). *Physical literacy: Throughout the life course*. Routledge.
3. Longmuir, P.E., Boyer, C., Lloyd, M., Yang, Y., Boiarskaia, E., Zhu, w., & Tremblay, M.S. (2016). The Canadian Assessment of Physical Literacy: methods for children in grades 4 to 6 (8 to 12 years). *BMC Public Health*, 15(1), 767.



۲. توجه به کلاس درس تربیت‌بدنی:

کلاس درس تربیت‌بدنی یکی دیگر از فرصت‌هایی است که در آن، با رعایت ملزومات مندرج در محتوای کتاب راهنما، می‌توان شرایطی را برای توسعه‌ی سواد حرکتی دانش‌آموزان فراهم کرد. دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی، علاوه بر آمادگی جسمانی، با مهارت‌های بنیادین حرکتی و مهارت‌های پایه‌ی ورزشی آشنا می‌شوند (برای آشنایی بیشتر به کتاب راهنمای معلم درس تربیت‌بدنی مراجعه فرمایید که از پایگاه اینترنتی دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی به نشانی tb.shs.medu.ir قابل دریافت است). معلمان تربیت‌بدنی و آموزگاران پایه، با اجرای شاد، مفرح و فعال ساعت درس تربیت‌بدنی، قادرند شرایطی را برای توسعه‌ی مهارت‌های بنیادین حرکتی و ورزشی و افزایش نشاط

و شادابی دانش‌آموزان فراهم کنند. از آنان انتظار می‌رود، با ارائه‌ی تکالیف حرکتی در کلاس درس تربیت‌بدنی (مطابق کتاب راهنما) شرایط انجام فعالیت‌های حرکتی در منزل را نیز برای دانش‌آموزان فراهم کنند.



۳. اجرای فعالیت‌های فوق

برنامه‌ی ورزشی: المپیادهای ورزشی درون مدرسه‌ای، نرمش صبحگاهی و کانون‌های ورزشی از جمله فعالیت‌هایی



رشد روانی- حرکتی با فعالیت بدنی

فعالیت بدنی منظم و آمادگی جسمانی مطلوب می‌تواند سلامت فرد را ارتقا بخشد، به پیشگیری از بیماری کمک کند و یا بخشی از درمان بیماری باشد. امروزه مجموعه علائمی به نام «مرگ نشسته» تعریف شده‌اند که علائم مربوط به زندگی بی‌تحرك را نشان می‌دهند. از جمله‌ی این علائم عضلات ضعیف، پوکی استخوان، نبود تعادل متابولیک (قند و چربی خون بالا، فشار خون بالا)، آمادگی قلبی و عروقی پایین، و افسردگی هستند. چاقی و اضافه‌وزن نیز یکی دیگر از معضلات جامعه‌ی ایرانی به‌ویژه کودکان است که می‌تواند در شیوع بیماری‌های غیرواگیر نقش زیادی داشته باشد. شیوع چاقی و بیماری‌های غیرواگیر در درازمدت می‌تواند هر کشوری را با بحران‌های جدی روبه‌رو سازد و هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی را در بر داشته باشد. بهترین راه برای کاهش چنین صدماتی، آموزش سبک زندگی فعال به دانش‌آموزان است.

رشد و توسعه‌ی جسمانی

هدف از رشد و توسعه‌ی جسمانی کسب آمادگی جسمانی، سلامت و تندرستی، و توانایی مقاومت در برابر خستگی است. فعالیت بدنی کار تغذیه‌ی اندام‌ها را بهبود می‌بخشد و باعث می‌شود فرد با صرف انرژی کمتر مدت طولانی‌تری کار کند. تحقق این هدف باعث فعال‌تر شدن فرد، اجرای بهتر مهارت‌ها و سالم‌تر بودن او خواهد شد که چنین حالتی برای داشتن زندگی سالم و مفید ضروری است. در تحقق این هدف، بر مفاهیمی از قبیل افزایش قدرت و توان عضلانی، افزایش انعطاف‌پذیری، سرعت، چابکی و سایر عوامل آمادگی جسمانی تأکید می‌شود.

رشد و توسعه‌ی شناختی و تفسیری

رشد و توسعه‌ی تفسیری شامل معلومات، درک و تشخیص ارزش‌هایی است که با

حرکت وسیله‌ای است که از طریق آن تربیت‌بدنی و ورزش به اهداف خود نائل می‌شود. چهار هدف عمده‌ی تربیت‌بدنی، به‌ویژه در مدارس، شامل تکامل جسمانی، تکامل شناختی، تکامل عاطفی اجتماعی و تکامل روانی- حرکتی است.

فعالیت جسمانی منظم و هدفمند اساس نیل به اهداف خطیر تربیت‌بدنی و ورزش است.

برنامه‌های تربیت‌بدنی در مدارس در نهادهای شدن برنامه‌ی ورزشی منظم در زندگی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی خواهند داشت، چرا که عادات رفتاری در سنین کودکی شکل می‌گیرند و مدرسه به‌عنوان مرجع، نقش تعیین‌کننده‌ای در این باره دارد.

لذا لازم است هر یک از معلمان به نوبه‌ی خود با کارکردهای تربیت بدنی در مدارس و آثار کوتاه و بلندمدت آن آشنا شوند و نقش خود را در این زمینه ایفا کنند.

اجرای فعالیت‌های جسمانی همراه است. در واقع، درک و تشخیص به موقع و قضاوت‌های بجا، در پرتو رشد و توسعه‌ی این بعد حاصل می‌شود. این هدف زمانی تحقق می‌یابد که فرد اطلاعات مربوط به بدن را به کار گیرد و به اهمیت تمرینات ورزشی، رژیم غذایی خوب، ارزش سلامت و تندرستی و عادات خوب پی برده باشد. همچنین، توسعه و رشد شناختی شامل آگاهی از معلومات بهداشتی، پیشگیری از بیماری‌ها، قوانین و مقررات ورزشی و فنون و روش‌های مربوط به آن‌هاست. فعالیت بدنی منظم و تغذیه‌ی سالم، علاوه بر اثرات فیزیولوژیک مثبت، به بهبود هوش، رشد ذهنی و تعمیق یادگیری نیز کمک می‌کند.

رشد و توسعه‌ی اجتماعی و عاطفی

منظور و هدف رشد و توسعه‌ی اجتماعی- عاطفی، سازگاری فرد با خود و با دیگران و با ارزش‌های جامعه است. تربیت حرکتی

اجرای حرکات بدنی بسیار ضروری است. زیرا هرچه کنترل سیستم عصبی بر حرکات افزایش یابد، به همان نسبت حرکات زائد و غیر ضروری کاهش و هماهنگی و مهارت افزایش می‌یابد. بنابراین، در راستای تحقق این هدف، دانش‌آموزان با شرکت در فعالیت‌های ورزشی و انجام تمرینات بدنی قادر خواهند بود حرکات را با دقت، ظرافت، موزون و هماهنگ انجام دهند.

با توجه به آنچه ذکر شد، یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران و معلمان در مدرسه، بسترسازی و برنامه‌ریزی برای افزایش میزان تحرک بدنی دانش‌آموزان در راستای نیل به اهداف پیش‌بینی شده است. قطعاً هفته‌ای یک جلسه کلاس درس تربیت‌بدنی در مدرسه نمی‌تواند چشم‌اندازهای پیش‌بینی‌شده را محقق سازد. اما معلمان خلاق و توانمند می‌توانند با برنامه‌های مکمل و تلفیق سایر درس‌ها با تربیت‌بدنی، برای افزایش تحرک دانش‌آموزان فرصت‌سازی کنند. ■



غیره فراهم می‌کنند و تمرین عملی چنین مهارت‌هایی در درازمدت می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری کند.

رشد و توسعه‌ی روانی-حرکتی

منظور از رشد و توسعه‌ی روانی-حرکتی، تحرک و کارایی فرد در اجرای فعالیت‌های جسمانی است. به عبارت دیگر، توسعه‌ی روانی-حرکتی به معنی پرهیز از حرکات اضافی و بهبود در اجرای مهارت‌های ورزشی و انجام حرکات با استادی، تحرک، زیبایی و ظرافت و با صرف حداقل انرژی ممکن در مرحله‌ی اجراست. توسعه و رشد عصبی-عضلانی برای

و ورزش از طریق برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوع می‌تواند بستر خوبی برای بروز، تمرین، اصلاح، تغییر و تقویت توانایی‌های بالقوه‌ی عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم کند. دانش‌آموزان، ضمن شرکت در فعالیت‌های ورزشی، با مفاهیمی مثل اخلاق خوب، احترام به پیشکسوت‌ها، رعایت انصاف و عدالت در داوری و قضاوت، حس همکاری در امور زندگی و حس رهبری و مسئولیت‌پذیری آشنا می‌شوند. اهداف اخلاقی و معنوی را می‌توان بخشی از اهداف فردی و اجتماعی تلقی کرد. این اهداف مانند اهداف اجتماعی و عاطفی، با اهداف عمومی تعلیم و تربیت ارتباط بسیار نزدیکی دارند. دانش‌آموزان با شرکت در فعالیت‌های ورزشی می‌توانند این ارزش‌ها را تمرین کنند، چرا که کلاس‌های تربیت‌بدنی بستر مناسبی را برای نمایش و عرضه‌ی عملی ارزش‌هایی مانند دوستی، احترام متقابل، تحمل شکست، فداکاری و



آه ای آزمایشگاه!



● **مادر:** پسرم بیا از خیر این به آزمایش بگذر. نتونستم کاغذ «پی‌اچ» پیدا کنم.

● **پسر:** خب، پس چرا آزمایش «اسید و باز» تو کتابمون اومده؟ اگر ما وسیله‌ی آزمایشی رو نداشته باشیم، چطور انجامش بدیم آخه!

مادر: جوهر لیمو و جوهر نمک رو تو ببر، شاید یکی از دوستات تونسته باشه کاغذ پی‌اچ پیدا کنه. اونوقت آزمایش رو چند نفری انجام بدین.

● **پسر:** مامان به حرفی می‌زنی‌ها! کجا انجام بدیم؟ مگه سر کلاس می‌شه آزمایش انجام داد!

● **مادر:** بابا ناسلامتی مدرسه‌تون به اتاق بزرگ داره که اسمش آزمایشگاهه. باید برید اونجا. از معلمتون بخواهی قبول می‌کنه.

● **پسر:** دفعه‌ی قبل که برای آزمایش رنگ بری، «پتاسیم پر منگنات» می‌خواستیم، خانمون همه‌اش گفت به روز می‌برمتون آزمایشگاه و آخرشم نبرد. حالا این یکی هم همین‌طور. یکدفعه همه‌تون بگید آزمایش نکن و خلاص دیگه!

● **پسر:** تو به ورق‌ی بزن، ببین فقط تو همین فصل سوم چند صفحه کاغذ هدر شده واسه آزمایش؟ خب اینا رو نمی‌آوردن اینجا و فقط جوابا رو می‌آوردن و می‌گفتن حفظ کنیم دیگه! دانشمندا تا آزمایش نکنن که دانشمند نمی‌شن آخه!

● **مادر:** حالا شلوغش نکن بچه! من و تو که تا اینجا بیشتر آزمایشا رو انجام دادیم. پس ما نداشتیم کاغذ هدر بشه. کلی چیزم یاد گرفتیم. خودت حساب کن تا حالا چقدر پول خرج کردیم تا وسایل آزمایش‌های تو رو بخریم!

● **پسر:** مامان باور کن هیچ کدوم از دوستانم تا حالا حتی دو تا آزمایشم انجام ندادن. به من می‌گن عجب حوصله‌ای داری دانشمند!



مر اهل روش علمی
۱. مشاهده
۲. طرح مسئله
۳. فرضیه‌سازی
۴. طراحی و آزمایش
۵. نتیجه‌گیری



گشت مفصلی در اینترنت زدم. با کمال مسرت متوجه شدم کیت کامل لوازم آزمایش‌های دوره‌ی ابتدایی در بازار موجود است. عصر آن روز به سرعت یک بسته خریدم و به خانه بردم. حال دیگر خیالمان از بابت وسیله‌های آزمایش‌ها راحت بود. راستش هزینه هم خیلی سبک‌تر شد. من یکی که خیلی خوش‌حال بودم. تنها نگرانی‌ام این بود که به لحاظ رعایت موارد ایمنی، پسرم نباید به تنهایی آزمایش‌ها را انجام می‌داد. از طرف دیگر، حال که وسیله‌ها را این‌همه ارزان و یکجا خریدم، دلم نمی‌آمد تنها پسر خودم از آن‌ها استفاده کند.



● **مادر:** آقای مدیر، می شه این کیت آزمایشای علوم رو تو آزمایشگاه مدرسه بذارید تا بچه ها بتونن راحت آزمایشا رو انجام بدن؟
مدیر: خانم، ما تو آزمایشگاه کلی از این وسیله ها داریم. بهتر و بزرگ ترش رو هم داریم. زیره به کرمون آوردید شما!
مادر: پسر من گفت معلمشون بهشون گفته که تاریخ استفاده ی بعضی از وسایل آزمایشگاه گذشته و چند تا وسیله هم خرابه.
مدیر: طبیعیه خب، چون معلما نمی رسن برن آزمایشگاه، بعضی وسایل خیلی وقته استفاده نشدن.
مادر: خب، چرا بچه ها برای انجام آزمایش نمی رن آزمایشگاه؟
مدیر: مدرسه دلایل خودش رو داره. شما که علاقه مندید، وسایل رو هم دارید، خودتون تو خونه کار کنید دیگه.
مادر: من همین کار رو کردم و باز مشکلی ندارم. منتها انجام بعضی آزمایش ها به حضور یه بزرگ تر نیاز داره و فضای مخصوص آزمایش، خونه مناسب این کار نیست و من متخصص علوم نیستم. من نمی دونم چطور باید نتیجه ی آزمایش رو به درس ربط بدم.
مدیر: زموئه این طور شده خانم. خانواده ها می خوان خودشون رو راحت کنند، همه چی رو گردن مدرسه می ندازن! این طوری پیش بریم، فردا می گن مدرسه به اولیا هم آموزش بده!

● **مادر:** آیا معلم وظیفه نداره کتاب درسی رو کامل درس بده؟
مدیر: شما که خودتون باید متوجه باشید. همین کتاب علوم ششم، حدود صد صفحه است. معلم کتاب رو درس بده یا آزمایش ها رو انجام بده؟ وقت کمه خانم.

● **مادر:** آقای مدیر شما یه نگاهی به کتاب بندازید. از صد صفحه ی کتاب، نزدیک چهل صفحه ی اون آزمایش و کاوشگریه. آزمایشا همه به موضوع فصل مربوط هستن. می مونه ۶۰ صفحه که تو بیشتر این ۶۰ صفحه هم «فکر کنید، فعالیت و گفت و گو کنید» اومده.

مدیر: منظور شما از این آمارگیری ها چیه؟ مگه معلم کتاب رو نوشته.
مادر: نه آقای مدیر. سوء تعبیر نشده. خب اگر نویسنده های کتاب درسی که کارشناس موضوع هستن، این موضوع رو ضروری نمی دونستن، این همه از حجم کتاب رو صرف آزمایش نمی کردن!

مدیر: خانم حالا شما از ما چه توقعی دارید؟
مادر: بنده از شما خواهش می کنم مطابق کتاب درسی درس بدید. وقتی گفته آزمایش کنید، آزمایش کنید و وقتی گفته فعالیت، لطفاً فعالیت کنید.

مدیر: می تونید با معلمش صحبت کنید و خواسته تون رو به ایشان بگید.



● **مادر:** خانم از حرف های من ناراحت نشید، نمی خوام تو کار شما دخالت کنم. فقط نمی دونم چرا به این موضوع چندان اهمیت نمی دید.
معلم: من ناراحت نمی شم. متوجه دلسوزی شما هستم. آزمایشگاه مدرسه اشکال داره و نمی تونیم ارزش استفاده کنیم. چاره ای نداریم.
مادر: خب مثل کتابخونه ی کلاسی، آزمایشگاه کلاسی داشته باشید.
معلم با خوش حالی: منو ببخشید. بس که سرم تو کلاس با درسا گرمه، راستش تا به حال خیلی به اهمیت موضوع آزمایش توجه نکرده بودم. شما حق دارید، با این کیت می شه تو کلاس آزمایش های علوم رو انجام داد.
مادر: خدا خیرتون بده خانم. مامانام هم حاضرن به شما کمک کنند.
معلم: خیلی خوبه. حداقل تو انجام بعضی آزمایشا به کمکمون بیایید.

درد دل مادرانه و معلمان

هر ساله، به تعداد تمام دانش آموزان ابتدایی کشورمان، کتاب های علمی منتشر می شوند که نزدیک نیمی از حجم آن ها آزمایش است. در شرایطی که مدرسه ها خود را موظف نمی دانند این آزمایش ها را با دانش آموزان انجام دهند، آیا این همه برگ کاغذ هدر نمی رود؟ آیا چندین متخصص برای طراحی این آزمایش ها وقت صرف نکرده اند؟ نویسنده، ویراستار، گرافیکست و کارشناسان دست در کار تألیف کتاب، برای انجام این کار هزینه و وقت صرف نکرده اند؟



همه چیز حل شد!

آیا برای تهیه ی این همه کاغذ مبلغ هنگفتی هزینه نشده است؟ آیا نظارتی بر اجرای کامل همه ی بخش های کتاب درسی در مدرسه ها اعمال نمی شود؟ آیا وزارت آموزش و پرورش قانونی در این زمینه تعیین نکرده است؟ آیا طراحان کتاب درسی به موضوع زمان لازم برای آزمایش های کتاب اندیشیده اند؟ آیا در علوم تجربی، یکی از مهم ترین مراحل روش علمی، انجام آزمایش نیست. خوب است چاره ای بیندیشیم و مدرسه ها را از این بی آزمایشگاهی نجات دهیم. ■

گفت‌وگو با آقای محمد دیمه‌ور، معاون پیشین آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش و مدرس فعلی دانشگاه فرهنگیان بیرجند

بازتعریف تربیت متوازن

● زندگی‌نامه‌ی آقای محمد دیمه‌ور

آقای محمد دیمه‌ور در سال ۱۳۴۴ شمسی در بیرجند متولد شد. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه در دانشگاه ادامه‌ی تحصیل داد. آخرین مدرک تحصیلی ایشان، کارشناسی ارشد در رشته‌ی زمین‌شناسی اقتصادی از دانشگاه تربیت مدرس است.

● سوابق آموزشی و اجرایی

از سال ۱۳۶۸ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و دبیر دبیرستان‌های بیرجند شد. هم‌زمان با دبیری، در مراکز تربیت معلم آن وقت (الزهراس) و باهنر نیز تدریس می‌کرد. سپس مسئولیت آموزش و پرورش شهرستان بیرجند را برعهده گرفت و به مدت سه سال در این پست سازمانی انجام وظیفه کرد.

پس از آن، به مدت سه سال، مدیر کل آموزش و پرورش استان سمنان شد و سپس مدیر کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان (قبل از تقسیم شدن به سه استان فعلی). ایشان بعد از تقسیم خراسان به سه استان (رضوی، شمالی و جنوبی) مدیر کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی شد و از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ هم به مدت سه سال معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش شد.

پس از معاونت آموزش ابتدایی، دوباره به دانشگاه فرهنگیان - واحد بیرجند (مراکز تربیت معلم استان خراسان جنوبی) آمد و به کارهای آموزشی و پژوهشی پرداخت و این راه همچنان ادامه دارد. آقای دیمه‌ور یکی از مؤلفان کتاب‌های درس پژوهی و آموزشی چند پایه است که معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش به چاپ رسانده است.

گفت‌وگوی این شماره‌ی مجله در حوزه‌ی آموزش ابتدایی و توسعه، به آقای محمد دیمه‌ور، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵، اختصاص پیدا کرده است. او هم اینک در دانشگاه فرهنگیان به تدریس مشغول است. آقای دیمه‌ور آموزش را امری فرهنگی می‌داند و معتقد است تا زمانی که ما به آموزش با دید فرهنگ نگاه نکنیم و تلقی ما از آموزش کاری اجرایی باشد، گرفتاری‌ها، کمبودها و کاستی‌های اجرایی، حتی در تحقق اهداف یادگیری، به قوت خود باقی است و در آن صورت، فاصله‌ی ما با توسعه زیاد خواهد بود. آنچه در پی می‌آید، حاصل گفت‌وگوی ما با ایشان است:

● آقای دیمه‌ور، بیش از ۲۸ سال است که جناب عالی در آموزش و پرورش، در حوزه‌های گوناگون مشغول به کار هستید، آموزش ابتدایی چه نقش و جایگاهی در توسعه‌ی کشور دارد؟

هدف‌گذاری‌ها در دوره‌ی ابتدایی به‌صورت کلان این است که باید به‌دنبال ایجاد، توسعه و تقویت شایستگی‌های پایه و مهارت‌های اساسی زندگی باشیم. ما در دوره‌ی ابتدایی چیزی با عنوان آموزش محض ریاضی و سایر علوم تخصصی نداریم و همه‌ی درس‌ها ابزار شکل‌گیری مهارت‌ها و شایستگی‌های پایه هستند. از همین حیث است که آموزش ابتدایی بسیار اهمیت دارد. اگر دوره‌ی یک یا دو ساله‌ی پیش از دبستان را به دوره‌ی شش ساله‌ی دبستان اضافه کنید، در طول این دوره‌ی هفت هشت ساله، آنچه باید مرکز توجه قرار گیرد، توسعه و تقویت شایستگی‌های دانش‌آموزان، نوآموزان و کودکان است.

● منظور از شایستگی‌ها چیست؟

براساس سند برنامه‌ی درسی، یک حوزه از شایستگی‌های پایه، حوزه‌ی «ایمان» است. بخشی از این شایستگی‌ها به رشد باورهای مذهبی معطوف می‌شود و بخشی به رشد تعلق خاطر به خداوند تبارک و تعالی. همان چیزی که در سند حیات طیبه، قرب‌ال‌الله ذکر شده است. یکی دیگر از شایستگی‌های پایه «عمل» است. تا چه حد دانش‌آموزان نیاز دارند انجام دادن، فعالیت کردن یا به تعبیر امروزی منابع درسی و غیردرسی، مهارت‌های زندگی را بدانند. مثلاً مهارت‌هایی که یک انسان سالم برای داشتن زندگی سالم نیاز دارد، چیست؟ ما به آموزش انواع مهارت‌های تفکر مثل

خلاق، انتقادی و واگرا نیاز داریم. ما طرح مهارت‌های زندگی ایرانی-اسلامی را در مدارس ابتدایی، برای آموزش سبک زندگی و نوع تعامل و زیستن در فضای فرهنگی اجتماعی جمهوری اسلامی داریم. شایستگی بعدی علم است. البته علم به معنای خاص آن برای دوره‌ی ابتدایی خیلی مناسب نیست. منظور ما از علم، خردورزی، خردگرایی و تعقل است. بچه‌ها باید نسبت به پدیده‌های محیطی و اتفاقات موجود در جهان وکل دنیا شناخت داشته باشند و حوزه‌های مکانیکی، فیزیکی، علوم زیستی، علوم زمین و آنچه را در کتاب‌های علوم ابتدایی آمده است، بشناسند.

موارد ذکر شده بخشی از شایستگی‌هایی هستند که بچه‌ها باید به آن‌ها دست پیدا کنند. منتها همه‌ی این شایستگی‌ها باید به تربیت فردی دارای زیست مسلمانانه متوازن در جامعه کمک کنند. یعنی ما به گونه‌ای تربیت شویم و زندگی کنیم که مسلمان بودن ما و باورهای اعتقادی ما در رفتارمان تجلی پیدا کند.

● برای اینکه نقش آموزش ابتدایی در توسعه‌ی

کشور پررنگ‌تر شود، چه توصیه‌هایی دارید؟ به اعتقاد من، اگر نظام تعلیم و تربیت رسمی بخواهد بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری خود را به لحاظ محاسبه‌ی اثربخشی و کارآمدی انجام دهد، باید در دوره‌ی ابتدایی و به‌خصوص در دوره‌ی پیش‌دبستانی، این کار را بکند. حتی تجربه‌ی شخصی من می‌گوید که پیش‌دبستانی از دوره‌ی ابتدایی مهم‌تر است. متأسفانه در حال حاضر در کشور ما کمترین توجه و عنایت به دوره‌ی ابتدایی صورت می‌پذیرد. یعنی آن قدر که یک کارگاه فنی و حرفه‌ای در فلان هنرستان حائز اهمیت است، مدارس ابتدایی اهمیت ندارند. اهمیت کارگاه به جای خودش محفوظ، چون ما به‌دنبال مهارت‌آموزی هستیم و حتماً باید فرزندانمان آن مهارت‌ها را یاد بگیرند، ولی در ترازوی نگاه ما، کفه‌ها برابر نیستند. من معتقدم، تا زمانی که به زیرساخت‌های توسعه توجه نکنیم، توسعه اتفاق نمی‌افتد و مهم‌ترین زیرساخت توسعه آدم‌ها هستند. فضای فعلی بیانگر دست نیافتنی بودن توسعه‌ی همه‌جانبه است، زیرا به دوره‌ی ابتدایی، توجهی که باید بشود، نمی‌شود.

اگر ما بخواهیم توسعه‌ی ملی را رقم بزنیم و در منطقه رتبه‌ی اول را از شاخص‌های بین‌المللی کسب کنیم، باید از دوره‌ی ابتدایی شروع کنیم و زمینه‌ی آموزش و پرورش با کیفیت دوره‌ی ابتدایی و پیش‌دبستانی را فراهم سازیم. نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم، این است که اگر آموزش و پرورش بخواهد مقوم برنامه‌ی توسعه باشد، باید

شما نمی‌توانید سند توسعه‌ی ملی یا برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی ملی را طوری طراحی کنید که مسیر جداگانه‌ای را از نظام تعلیم و تربیت کشور طی کند و هر کدام به مسیر جداگانه‌ای برود

اهداف کلان توسعه‌ی ملی با اهداف کلان آموزش و پرورش و سند تحول هم‌خوانی داشته باشند. شما نمی‌توانید سند توسعه‌ی ملی یا برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی ملی را طوری طراحی کنید که مسیر جداگانه‌ای را از نظام تعلیم و تربیت کشور طی کند و هر کدام به مسیر جداگانه‌ای برود. آنچه را سند تحول می‌نامیم، نمی‌تواند و نباید زیر یک برنامه‌ی توسعه‌ی میان مدت پنج‌ساله باشد، بلکه باید جزو روح حاکم برنامه باشد. اهداف موجود در سند تحول (جدا از نقدی که بر آن داریم)، باید بر روح برنامه‌ی توسعه حاکم باشد؛ در حالی که ما عکس آن عمل می‌کنیم. برنامه‌ای برای بخش‌های گوناگون کشور، مثل حوزه‌ی فضای شهرسازی، می‌نویسیم، در صورتی که امروزه طرح‌هایی در سطح شهر انجام می‌شوند که هیچ‌گونه ارتباطی با زندگی و فرهنگ مردم ندارند.

الان آنچه در مدرسه درباره‌ی خانواده می‌گوییم، اگر با رفتارمان در سایر بخش‌های اجتماع، مخالف و مواجه نباشند، حداقل زاویه‌ی جدی با هم دارند.

● ما درک درستی از تربیت متوازن داریم؟

نکته‌ی دیگری که باید به آن بپردازم، این است که ما درک درستی از تربیت متوازن نداریم. وقتی تربیت را به‌عنوان یک مفهوم جامع در نظر می‌گیریم، همان‌قدر که تربیت بدنی و جسمی برایمان مهم است، باید تربیت علمی و اجتماعی هم برایمان مهم باشد و همان‌قدر که تربیت علمی برایمان مهم است، تربیت اخلاقی و اعتقادی برایمان مهم باشد. اما آیا این‌ها در کشور ما به‌طور متوازن اجرا می‌شوند؟ پاسخ من خیر است. چون درک درستی از توازن در تربیت نداریم و فقط در برخی موارد، یک بعد از تربیت را رشد داده‌ایم. مثلاً در دوره‌ی متوسطه که امروز کم‌کم به دوره‌ی ابتدایی هم کشیده شده است، نگاه به کنکور به شدت پررنگ شده است، یعنی آنچه خودش را بیشتر نشان می‌دهد، تربیت علمی است و حتی مهارت‌ها کنار زده شده‌اند.

● محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی چقدر بچه‌ها را به سمت استقلال و رشد و توسعه‌ی کشور هدایت می‌کند؟

ضمن احترام به تمام عزیزان دفتر تألیف به‌خصوص دوستانی که در گروه تألیف کتاب‌های ابتدایی مشغول به کارند، باید عرض کنم، برنامه‌ی درسی ابتدایی و تألیف کتاب‌های درسی در دوره‌ی ابتدایی کمی با عجله انجام شد. در سال ۱۳۹۱، براساس سند تحول، بلافاصله تغییر در کتاب‌های درسی پایه‌ی ششم و بعد از آن پایه‌ی دوم انجام شد و بعد از آنها تغییرات پایه به پایه اعمال شدند. این تغییرات تا حدودی با عجله صورت گرفتند. در این تعجیل، برخی اولویت‌ها و برخی مسائل با اهمیتی که باید برجسته می‌شدند به توجه جدی و بازنگری در محتوا و شیوه‌ی تدوین منابع آموزشی نیاز دارند. بنابراین، به اعتقاد من:

۱. کتاب‌های درسی به بازنگری نیاز دارند.

۲. برای تألیف کتاب‌های درسی، ضروری است چند تألیفی داشته باشیم تا از حالت تک‌تألیفی خارج شویم.

۳. نتایج تأثیرات کتاب‌های درسی فعلی در توسعه‌ی آموزش بررسی شود و به خروجی‌های دوره‌ی ابتدایی توجه شود. ببینیم آیا اهداف محقق شده‌اند یا نه؟

آیا کتاب‌های درسی موجود برای رشد متوازن بچه‌ها مناسب هستند یا خیر؟ یعنی همان اندازه که به کتاب‌های فارسی و ریاضی توجه شده است، به آموزش مهارت‌های زندگی، هنر و تربیت بدنی نیز توجه شده است؟

۴. در همه‌ی کشورها، موضوعات یادگیری در دوره‌ی ابتدایی تلفیقی هستند. یعنی حوزه‌های یادگیری ریاضیات، علوم و ... در هم آمیخته‌اند.

بررسی شود آیا این کار در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است؟ ما از آموزش تلفیقی سخن می‌گوییم، ولی کماکان موضوعات درسی کتاب‌ها از هم جدا هستند. نکته‌ی دیگر در رابطه با کتاب‌های درسی این است که برای نمونه، ما درسی به‌عنوان کار و فناوری را وارد پایه‌ی ششم کرده‌ایم که در عمل بیش از یک کتاب درسی نیست و ابزار اجرای این بخش از برنامه‌ی درسی اصلاً در مدارس وجود ندارد. چند سالی که در وزارتخانه بودیم، تلاش زیادی کردیم که درصدی از مدارس از امکانات لازم برای تدریس این کتاب برخوردار شوند، اما هنوز ۵۰ تا ۶۰ درصد مدارس امکانات لازم برای تدریس این کتاب را ندارند. الان زمان مناسبی است که تیم‌های جدید با نگاهی نقادانه دست به کار شوند و محتوای کتاب‌های درسی را بررسی کنند. الان ساعات درسی هم خودش محل سؤال است. چرا برای یک درسی مثلاً سه ساعت و برای درس دیگر دو ساعت و برای برخی دیگر از درس‌ها زمان کمتری در نظر گرفته شده است؟



● نظر تان درباره‌ی روش ارزشیابی در دوره‌ی ابتدایی چیست ؟

اگر ارزشیابی توصیفی درست انجام شود و معلم برای انجام آن به درستی آموزش داده شود و ابزار مناسب برای انجام آن در مدارس باشد، از جمله فضای فیزیکی، کلاس، آموزش خانواده و ... فراهم باشد، روش ارزشیابی توصیفی بسیار مناسب‌تر از ارزشیابی‌های کمی و نتیجه‌گر خواهد بود.

● فرض کنید در همین شرایط و با همین امکانات، معلم یک مدرسه‌ی ابتدایی باشید، برای اینکه بچه‌ها در آینده سرپای خود و مستقل تربیت شوند و در جهت رشد و توسعه‌ی کشور بهره‌وری بالایی داشته باشند، چه می‌کنید؟

خدا می‌داند این جمله‌ای را که می‌خواهم بگویم، شعاری نیست، به دلیل مسئولیت‌هایی که در آموزش و پرورش داشتم و ارتباطی که به‌عنوان رئیس اداره با معلمان داشتم، من هم همان کاری را می‌کردم که خیلی از معلمان ابتدایی انجام می‌دهند. باور دارم که بخش عمده‌ی معلمان ابتدایی ما از جانشان مایه می‌گذارند و اصلاً کاری به بحث‌های ما ندارند و آنچه را می‌دانند درست است انجام می‌دهند. اگر چیزی را نمی‌دانند، مقصر ما هستیم که به آن‌ها نگفته‌ایم. اگر امکان اجرا کردن برخی کارها را ندارند، به دلیل این است که ما امکان را برایشان فراهم نکرده‌ایم. تعداد خیلی‌هایی هستند که طبق توقع ما به وظایفشان عمل نمی‌کنند، ولی بخش عمده‌ی معلم‌ها کارشان را خوب انجام می‌دهند.

در پاسخ به سؤال شما، اگر من جای هر کدام از معلمان ابتدایی بودم، اول سعی می‌کردم خودم را به‌عنوان معلمی حرفه‌ای (به‌صورت اعم) آماده کنم و دوره‌هایی را که باید، بگذرانم و آموزش‌ها و مهارت‌هایی را که باید، کسب کنم. طرحی در دوره‌ی ابتدایی بود که کارش به سامان نرسید. قرار بود نقش مشاوره‌ای معلمان را پررنگ‌تر ببینیم. ما

معلمان باید همه‌جانبه‌نگری را در خودمان ایجاد کنیم و به روزآمدی توجه کنیم. این روزآمدی را باید هم در فعالیت‌های تدریس و هم در ارتباط با خانواده و دانش‌آموز داشته باشیم. محیط یادگیری را به کلاس درس و مدرسه محدود نکنیم. تلاش کنیم محیط‌های اثرگذار دیگری، به‌خصوص خانواده، را فراهم کنیم. اگر در دوره‌ی ابتدایی این اتفاق نیفتد، یادگیری ناقص خواهد بود. بخشی از ارزشیابی بازخوردی است که خانواده می‌گیرد. به‌همین دلیل، باید با خانواده ارتباط مناسب برقرار کنیم. من اگر معلم بودم، حتماً تلاش می‌کردم یادگیری مادام‌العمری برای خودم و دانش‌آموزانم فراهم کنم. سعی می‌کردم به بچه‌ها ماهی‌گیری یاد بدهم. خیلی به‌دنبال محفوظات نبودم و از روش‌های تدریس فعال استفاده می‌کردم. با اکسیر محبت در کلاس‌ها وارد می‌شدم. ارتباط با خانواده را، به‌خصوص نقش مهم مادران را در تربیت فرزندان جدی می‌گرفتم. یکی از یافته‌های مهم نشان می‌دهد، بچه‌هایی که در درس ریاضی، از پایه‌ی چهارم تا هشتم، موفق بوده‌اند، بیشتر موفقیتشان حاصل کار و تلاش مادران باسواد آن‌ها در خانه بوده است و کمک آن‌ها در یادگیری فرزندان‌شان. بنابراین، نباید از نقش تربیتی و یادگیری و مربیگری پدران و مادران غفلت کرد.

● با سپاس از شما که وقتی برای این گفت‌وگو اختصاص دادید.

اگر ما بخواهیم توسعه‌ی ملی را رقم بزنیم و در منطقه رتبه‌ی اول را از شاخص‌های بین‌المللی کسب کنیم، باید از دوره‌ی ابتدایی شروع کنیم و زمینه‌ی آموزش و پرورش با کیفیت دوره‌ی ابتدایی و پیش‌دبستانی را فراهم سازیم

کلاس درس قرن بیست و یکم

تغییرات آموزش در اثر فناوری غیرقابل انکار است. در حال حاضر نیز می توان اثرات آن را به سادگی مشاهده کرد. تصور کنید در ۲۰ سال آینده، کلاس های درس با این سرعت پیشرفت تکنولوژی فناوری به چه شکل خواهند بود. اکنون بیایید اطلاعات بیشتری در مورد پیشرفت های کلیدی کلاس درس قرن بیست و یکم کسب کنیم. ۹۱ درصد از معلمان در کلاس درس خود رایانه دارند. اما تنها ۱ نفر از ۵ نفر احساس می کند کلاسش در سطح مناسبی از فناوری برخوردار است. افزایش وجود فناوری های زیر می تواند به صورت چشم گیری نسبت فوق را تغییر دهد.

یادگیری تحلیلی

به معلمان کمک می کند مهم ترین دغدغه ها و دستاوردهای دانش آموزان خود را شناسایی کنند.



اما از هر ۵ نفر تنها یک نفر احساس می کند سطح فناوری در کلاس درست است.



معلمان در کلاس درس شان رایانه دارند.

افزایش وجود فناوری های زیر می تواند به صورت چشم گیری نسبت فوق را تغییر دهد.

آموزش در دنیای واقعی



در آموزش پروژه محور (PBL)، علاوه بر محتوا، طبقه بندی، طرز گفتار، مدیریت و همکاری نیز یاد گرفته می شود.



تلفیق مهارت های زندگی با آموزش موجب تقویت تعهد و به یاد ماندن دانسته ها در دانش آموزان می شود و آنان را برای شغل های قرن بیست و یکم آماده می سازد.

کلاس های برخط

تقریباً یک سوم دانشجویان حداقل یک کلاس را به صورت برخط می گذرانند. ثبت نام های برخط، رشد ۲۱ درصدی داشته اند و این در حالی است که جمعیت دانشجویان آموزش عالی تنها رشد ۲ درصدی داشته است.

تقریباً یک سوم دانشجویان حداقل یک کلاس را به صورت برخط می گذرانند.



بیش از ۶۵ درصد از مؤسسات آموزشی آموزش های برخط را برای موفقیت آموزش بلندمدت ضروری می دانند.

بازی و بازی سازی

در یک مطالعه تحقیقی، نشان داده شد که بازی ها میانگین نمرات آزمون را رشد دادند.

۹۱/۵ درصد

با استفاده از بازی های دیجیتال

۷۹/۵ درصد

بدون استفاده از بازی های دیجیتال

۴۳ درصد از معلمان در کلاس درس خود از بازی های برخط استفاده کرده اند.



سه دلیل مهم استفاده‌ی معلمان از تکنولوژی در کلاس درس



بیش از ۵۱ درصد

از دانشجویان اذعان کرده‌اند که به‌روزرسانی‌های بدون سیم، به‌عنوان اولویت فناوری‌های آن‌ها در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، افزایش ۶۰ درصدی کارایی تلفن‌های همراه در محوطه‌ی دانشگاه را در سال گذشته در پی داشته است.

تلفیق با شبکه‌های اجتماعی

درگیر کردن دانش‌آموزان با ابزارهای رایگانی که پیش از این از آن‌ها استفاده کرده‌اند، می‌تواند به یادگیری آنان به روش‌های جدید، متمرکز کردن توجه آن‌ها و بالا بردن میزان مشارکت آنان کمک کند.



از هر ۱۰ دانش‌آموز، ۴ نفر بر این باورند که تلفیق شبکه‌های اجتماعی با کلاس درس می‌تواند برای آموزش آن‌ها منافع داشته باشد.

در یک اجرای آزمایشی، با استفاده از برنامه‌ای اجتماعی در یک کلاس درس، نمره‌ها ۵۰ درصد رشد کردند.



یک سیستم ادعا کرده است که می‌تواند با دقت ۷۰ درصدی علاقه‌ی دانش‌آموزان به دوره‌های درسی پر بازده، با نشان دادن فاکتورهای ریسک‌پذیر منحصر به هر دانش‌آموز را پیش‌بینی کند.



ثبت‌نام برای یادگیری تحلیلی و گردهمایی‌های علمی بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ دو برابر شده‌اند.

چندتالیفی

انتظار می‌رود در دهه‌ی آینده چندتالیفی رشد ۲۵ درصدی بازار کتاب‌های درسی را داشته باشد.

تا سال ۲۰۱۳، کتاب‌های درسی الکترونیک ممکن است



از درآمد کتاب‌های درسی را به خود اختصاص دهد.

۶ دانش‌آموز از هر ۱۰ دانش‌آموز از کتاب‌های درسی دیجیتال استفاده کرده‌اند. در حالی که در سال ۲۰۱۱ تنها ۴ نفر از ۱۰ نفر از این امکان استفاده می‌کردند.

۸۶ درصد از دانش‌آموزان بر این باورند که پشت میز، مطالعه‌ی کارآمدتری را تجربه می‌کنند.

۱ دانش‌آموز از هر ۵ دانش‌آموز برای مرتب کردن کارهای کلاسی خود از برنامه‌های موبایلی استفاده کرده است.

۵۹ درصد از دانش‌آموزان برای بهبود بخشیدن به آموزش مایل‌اند از موبایل استفاده کنند.

منبع:

I-Daniel Goh
www.youngupstarts.com

پی‌نوشت: آمارهای این اینفوگراف مربوط به سال ۲۰۱۲ است و برای ارائه‌ی تصویر کلی از تغییرات آموزشی در قرن حاضر منتشر شده است.

تغییر در کلاس ریاضی در هشت قدم

آموزش ریاضیات برایم با چالش‌های زیادی همراه است. در طول سال‌های تدریس، دانش‌آموزان بارها نارضایتی خود را از درس و کلاس ریاضی با جملاتی چون «ریاضیات به چه کاری می‌آید؟»، «ریاضیات سخت و دشوار است»، «ریاضیات در زندگی کاربردی ندارد» و «ریاضیات خشک و کسالت‌آور است» اعلام کرده‌اند. بدفهمی‌ها از ریاضیات بر نگاه کودکان، والدین و گاهی ما معلم‌ها و فعالیت‌های این حوزه اثر گذاشته است. ریاضیات در ذهن اغلب مردم فعالیتی مجرد و انفرادی است که با دنیای واقعی و مسائل جدی آن ارتباطی ندارد و شاید این یکی از عواملی باشد که سبب شده است کودکان کمتر به درس ریاضیات علاقه‌مند شوند.

کارگاه‌های آموزش ریاضی تصمیم و تلاشم این بود که بتوانم آموزش ریاضی را به گونه‌ای متفاوت تجربه و اجرا کنم. برای مطالعه از مجلات رشد آموزش ریاضی و برهان ریاضی و مقالاتی در زمینه‌ی آموزش ریاضی با استفاده از موتورهای جست‌وجو مانند گوگل آغاز کردم. بعد به سمت منابع معرفی شده در مقالات آن‌ها رفتم. به موازات آن از کتاب‌های برنامه‌ریزی درسی و رویکردهای آموزشی و روان‌شناسی تربیتی و آموزشی و کتاب‌های فلسفه‌ی آموزش نیز کمک گرفتم.

اما گاهی کسب اطلاعات جدید هم مانعی برای قدم برداشتن به سمت تجربه‌های متفاوت بود، زیرا هرچه بیشتر می‌خواندم، به دست خالی بودن خود بیشتر آگاه می‌شدم. آغاز فعالیت جدید برایم دشوار بود، اما اگرچه نیاز به مطالعه بود، نیاز به تغییر و تجربه هم حس می‌شد. با مسئله‌ای مواجه بودم که نیاز به حل آن در من ایجاد شده بود و می‌خواستم در شیوه‌ی آموزش و در خودم به عنوان معلم تغییر ایجاد کنم. شاگردانم دیگر

● ارائه‌ی مطالب به گونه‌ای که ریاضیات در مسائل عینی تجربه شود.

● خارج شدن آموزش از فضای کلاس
● توجه به ریاضیات در کنار مطالب دیگر مانند تاریخ، محیط‌زیست، معماری و ادبیات.

تجربه‌ی جدید با چالش‌هایی مانند محدود بودن فضا و زمان کلاس‌ها، زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان کلاس و نگرانی از واکنش خانواده‌ها و مسئولان مدرسه همراه بود که مانع از انجام این کار شدند و خواسته‌ی ما را به آرزو تبدیل کردند. از طرفی دیگر، متأسفانه آگاهی ناکافی از نظریه‌های آموزش ریاضی و ناآشنایی با رویکردهای متنوع آموزشی مانع از آن بود که بتوان تجربه‌های متفاوت‌تری با پشتوانه‌ی علمی داشت.

این سؤال مهم در ذهنم می‌چرخید که داشتن کلاسی با موارد بالا در حیطه‌ی کدام رویکرد و نظریه‌ی آموزشی است؟ نقش معلم و محتوای آموزشی مطلوب چیست؟ و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ پس نیاز بود دستم پرت‌تر باشد. با مطالعه‌ی مداوم و شرکت در جلسات

با توجه به گرایش‌های کودکان و واکاوی کتاب ریاضی، چند مورد زیر به عنوان مهم‌ترین دلایل نارضایتی و مشکلات درس ریاضی عنوان شدند:

● بی‌توجهی به مسائل مورد علاقه‌ی کودکان؛

● کم‌توجهی به تفاوت‌ها و ویژگی‌های فردی کودکان؛

● استفاده نکردن از این درس به عنوان ابزاری کاربردی در زندگی کودکان؛

● تأکید کتاب‌های آموزشی به شیوه‌ی تکرار و تمرین؛

● جدا بودن ریاضیات مدرسه‌ای از واقعیت‌های زندگی روزمره.

با توجه به آنچه گفته شد، با مطالعه‌ی مقاله‌های فارسی‌زبان در زمینه‌ی آموزش ریاضی به صورت کاربردی، بر آن شدم در کنار کودکان دست به تجربه‌ای جدید بزنم و کلاسی ریاضی با شرایط زیر را تجربه کنم:

● شاد و فعالیت‌محور
● کاربردی بودن موضوع‌ها
● توجه به تفاوت‌های فردی در نحوه‌ی یادگیری

باعث شد تفاوت‌های هم را بشناسیم و شرایط گفت‌وگو بیشتر فراهم شود.

قدم سوم: برنامه‌ی زمانی

دو روز در هفته

برای مواجه شدن با مانع مسئولان آموزشی فرصت دو روز در هفته را در نظر گرفتیم تا بتوانم فعالیتی متفاوت را در آموزش ریاضی تجربه کنم و به آرزوهایم نزدیک شوم. تغییراتی را در کلاس‌هایم ایجاد کردم. گاهی برای این دو روز برنامه‌ی جداگانه تدارک دیده می‌شد و گاهی چندین هفته به یک موضوع می‌پرداختیم.

قدم چهارم: توجه به بازی

با گوش دادن به کودکان توانستم متوجه علاقه‌ی آن‌ها به بازی شوم و با استفاده از بازی‌های محاسباتی و فعالیت‌های ساخت کاردستی کلاسی شاد و متنوع داشته باشم. در این نوع کلاس و فعالیت‌ها کودکان مشارکت بیشتری داشتند، چرا که بازی نیاز آن‌ها در این دوره‌ی سنی است. درگیر کردن دانش‌آموزان با فعالیت‌هایی که به تجربه‌ی مستقیم آن‌ها مربوط می‌شود، کمک می‌کند در کشان از دانش ریاضی افزایش یابد و نگرش مثبتی نسبت به ریاضیات داشته باشند. برای این کار از کتاب‌های کمک آموزشی موجود در بازار و کتابخانه‌ی مدرسه استفاده می‌کردم. تا حدی فضای کلاس شاد شده بود، اما این برای من و دانش‌آموزانم کافی نبود. پس به دنبال راهی بودم که بیشتر به خواست آن‌ها نزدیک باشد. ناگفته نماند، صدای بچه‌ها در این نوع برنامه‌ها، به دلیل مشارکت بچه‌ها در کار بیشتر می‌شود. گاهی از صداها کلافه می‌شدم و دلم می‌خواست در لحظه کار را متوقف کنم، اما همچنان گفت‌وگو و توضیح درباره‌ی مشکلات کار این امکان را فراهم می‌کرد که آن‌ها نیز دغدغه و مشکلات



قدم دوم: تغییر در چیدمان

کلاس

فاصله‌ی زیاد بین میز معلم و کودکان مانعی برای گفت‌وشنود بود. نیاز بود برای گفت‌وگو و نزدیکی به کودکان تغییری در چیدمان کلاس ایجاد شود. میز معلم برایم خیلی مفید نبود، چرا که در طول رنگ با سرپا ایستادن‌های طولانی بسیار خسته می‌شدم و از میز فقط برای قرار دادن کیفم استفاده می‌کردم. در مجلات آموزشی و کتاب‌ها با نحوه‌ی چیدمان صندلی‌ها در کلاس آشنا شده بودم. تغییر چیدمان کلاس به شکل دایره این امکان را فراهم کرد که در کنار کودکانم قرار بگیرم. در این نوع چیدمان، صندلی هم برای نشستن داشتم و این موضوع قابلیت نزدیک بودن به کودکان و دسترسی به آن‌ها را برایم فراهم می‌کرد. اما آیا کم کردن فاصله بین ما باعث می‌شد کودک بیشتر یاد بگیرد؟ آیا کم شدن فاصله باعث از بین رفتن کوه قدرت و احترام من نمی‌شد؟ خوشبختانه هرچه بیشتر به کودکانم نزدیک‌تر شدم، علاقه و احترام بین ما بیشتر شد. شناخت دنیاهای هم

خواهان شیوه‌های نوینی بودند که من معلم مسئول به کارگیری آن‌ها بودم. می‌خواستم به خاطر کودکان سرزمینم تجربه‌ای متفاوت داشته باشم. برای ایجاد تغییر به شیوه‌ی تجربه، گاهی از روش آزمون و خطا قدم‌های زیر را برداشتم:

قدم اول: نیاز به گفت‌وگوی

بیشتر با کودکان

از مشاهداتم به این نتیجه رسیدم که یکی از موانع اصلی من فضای کم گفت‌وگو با کودکان است. شاید اگر بیشتر کودکان را بشنوم، بتوانم فضای سهل‌تری برای آموزش ریاضی در کلاس داشته باشم. در گفت‌وگو با کودکان، ما با سؤالات فراوانی مواجه می‌شویم. این سؤالات می‌توانستند موضوع کار ما شوند. ما از طریق ریاضیات می‌توانیم این سؤالات را تحلیل و بررسی کنیم و پاسخ دهیم. از این راه، علاوه بر آنکه کودک از پنجره‌ی ریاضیات به موضوعی نگاه می‌کند، این امکان فراهم می‌شود که از دیگر دریچه‌ها مانند ادبیات، تاریخ و جغرافی و دیگر علوم نیز به همان موضوع نگاه کند.

قدم هفتم: عرضه‌ی تکلیف‌های متنوع

کودکان معمولاً از انجام تکالیف تکراری ناراضی بودند. لازم بود در تکالیف هم تنوعی ایجاد شود. اما چه نوع تکلیفی می‌تواند شور و هیجان ایجاد کند تا کودک با علاقه حاضر به انجام آن شود؟ برای این کار گاهی بازی‌هایی را که در کلاس کار می‌کردیم، به‌عنوان تکلیف به خانه نیز می‌کشاندند تا با والدین بازی کنند و گزارش بازی خود را یا با گرفتن عکس یا یادداشت برایم بیاورند. بازی با والدین بازخوردهای جالبی برایم داشت. والدینی که به علت خستگی روزانه کمتر فرصتی برای کودکانشان داشتند، به علت تکلیف بودن ماجرا، وقتی را با کودکان خود می‌گذراندند. در واقع هم بازی بود و هم تکرار و تمرین و برقراری رابطه‌ی عاطفی با والدین.

قدم هشتم: صبوری و آرامش

برای ایجاد تغییر در مدل آموزشی خودم به صبوری و آرامش نیاز داشتم. قرار نبود یک شبه اتفاقی برای من رخ بدهد. قرار نبود همه‌ی آموخته‌های جدید یک شبه در من بنشینند و راهنمای کار من شوند. در هر برنامه‌ای که در کلاس اجرا می‌شد، کم و کاستی‌هایی بود که نیاز بود با دقت روی آن تمرکز کنم تا در مرحله‌ی بعد به این شیوه مسلط‌تر باشم. پس فرصتی برایم فراهم بود تا صبر و آرامش را در کنار شاگردانم تمرین کنم. و اما همچنان تجربه‌ی جدید، یادگیری شیوه‌های نوین آموزش ریاضی و فراهم کردن شرایطی که کودکان در آن راحت‌تر به ریاضیات بپردازند دغدغه‌ی من است. به‌عنوان معلم، مسئولیت خودم می‌دانم که بیشتر بخوانم، بیشتر خطا کنم، بیشتر یاد بگیرم و فضاهای متنوع آموزشی بیشتری برای کودکان سرزمینم ایجاد کنم. ■



قدم نهم: تغییر در خودم

سخت‌ترین و مهم‌ترین قدم تغییر در خودم بود. در واقع، هر قدمی که برداشتم، نیاز بود تغییری در خودم ایجاد کنم. تغییر در خودم کم‌کم در فضای کلاس و کودکانم تغییر ایجاد می‌کرد. تکرار الگوهای آموزشی که یاد گرفته بودم، کار تدریس را برایم ساده می‌کرد، اما تغییر در این نگاه دشواری‌هایی نیز داشت. اطلاعات عمومی ناکافی نیز گاهی مانع هم‌کلامی و هم‌صدایی با گروه سنی کودکان می‌شد. منی که در نظرم معلم دانای تمام و کمال بود، با نزدیکی به بچه‌ها متوجه شدم چقدر تا دنیای آن‌ها فاصله دارم. با توجه به زندگی کودکان که هر لحظه در برابر اطلاعات نوین قرار می‌گیرند، نیاز بود هر روز بیشتر و بیشتر بخوانم و بدانم. گاهی از اینکه دانش‌آموزانم در موضوعی از من آگاه‌ترند عصبانی هم می‌شدم. عصبانی از اینکه چرا نمی‌دانم و چرا هر چه می‌خوانم کم است!

و ناراحتی‌های من را بشنوند. گفت‌وگو فرایندی دو طرفه بود.

قدم پنجم: استفاده از منابع متعدد

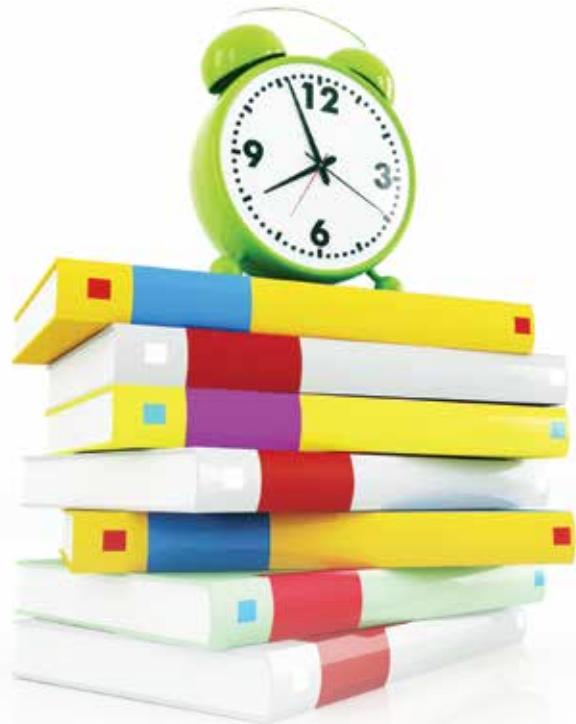
برای ایجاد تنوع در منابع آموزشی و علاقه‌مندی کودکان به انواع کتاب، به‌جای استفاده‌ی صرف از کتاب‌های مدرسه و فقط یک منبع، از کتاب‌های متعددی کمک گرفتم؛ مثلاً دانستنی‌های ریاضی، تاریخ ریاضی و فرهنگ ریاضیات. خواندن متون متنوع در ارتباط با موضوع‌های مورد علاقه‌ی کودکان و ریاضی باعث می‌شد کلاس از یکنواختی خارج شود و کودکان مشارکت بیشتری داشته باشند.

گاهی کتاب‌های متعددی داشتند که در گروه‌های کوچک آن‌ها را ورق می‌زدند و می‌خواندند. در آخر، هر گروه برای گروه دیگر اطلاعات جدید خود را در اختیار می‌گذاشت.

نقش مهارت خواندن در دوران کودکی

براساس یافته‌های مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن «پرلز»

روان‌شناسان و زبان‌شناسان بر این باورند که ریشه‌ها و بنیادهای اولیه یادگیری خواندن، شنیدن، گفتن و نوشتن از آموزه‌ها و الگوهای ارتباطی والدین با کودک شکل می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین توانایی‌های اکتسابی کودکان در جریان رشد و پیشرفت، سواد خواندن است و هر قدر این جریان طبیعی‌تر و درونی‌تر باشد، عمق یادگیری خواندن بیشتر می‌شود. مهارت خواندن، در مراحل بعدی رشد، پایه‌ی یادگیری همه‌ی موضوعات درسی و غیردرسی در مدرسه و جامعه نیز هست. هر چند، مطالعه در کودکان می‌تواند تفریح یا رشد فردی نیز قلمداد شود. اتفاقاً اگر مطالعه چنین قالبی داشته باشد، این مهارت ماندگارتر و بالغ‌تر می‌شود. یادگیری «مهارت خواندن و درک مطلب» کلید یادگیری همه‌ی یادگیری‌هاست و دوران کودکی بهترین دوران برای نهادینه کردن مهارت خواندن و درک مطلب است؛ دورانی که خانواده در آن نقش دوران‌ساز دارد. هر چند آموزش رسمی خواندن از وظایف و مسئولیت‌های اصلی مدرسه است، اما شالوده‌ی مهارت‌های اولیه‌ی سواد خواندن بر سال‌های آغازینی استوار است که والدین در تعامل با فرزند خود ارتباط کلامی برقرار می‌کنند.



ضرورت توجه به بنیادها و ساختارهای اولیه‌ی شکل‌گیری زبان و سوادآموزی، نظام‌های آموزشی جهان را به این فکر واداشته است که چگونه، چه موقع، با چه شرایطی و در چه مرحله‌ای از تحول ذهنی کودک، باید فرایند سوادآموزی را در سطوح خانه و مدرسه گسترش دهند.

یکی از مطالعات جهانی که در سال‌های اخیر مهارت سواد خواندن را به‌صورت روشمند و نظام‌دار، در ابعاد متفاوت بررسی کرده است و داده‌های آن منبع معتبری برای تعیین جایگاه کشورها در میزان پیشرفت مهارت خواندن به‌شمار می‌رود، مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز PIRLS) است که از سال ۲۰۰۱ تاکنون، هر پنج سال یکبار، در کشورهای عضو انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به اجرا در می‌آید.

معرفی مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز)

پرلز نوعی مطالعه بین‌المللی در زمینه‌ی سنجش سواد خواندن دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم ابتدایی است که تحت‌نظر انجمن بین‌المللی ارزشیابی تحصیلی IEA اجرا می‌شود. یکی از اهداف اصلی انجمن IEA در انجام پژوهش‌های تطبیقی نیز این است که کشورها بتوانند کاستی‌ها و توانایی‌های نظام آموزشی خود را در گستره‌ی جهانی مقایسه و ارزیابی کنند.

IEA در سال ۱۹۵۹ تأسیس شده و تاکنون بیش از ۲۵ مطالعه تطبیقی در زمینه‌ی علوم، ریاضیات، زبان، ادبیات، تربیت اجتماعی، نگارش، کامپیوتر، آموزش پیش‌دبستان، درک مطلب و سواد خواندن انجام داده است. مرکز بین‌المللی مطالعه پرلز و تیمز در کالج بوستون آمریکا و دبیرخانه‌ی اجرایی IEA در آمستردام هلند مستقرند که اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

الف) ارزشیابی کیفیت نظام آموزشی کشورها؛



ب) ارتقای سطح یادگیری نظام‌های آموزشی جهان؛

ج) بهبود سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی مربوط به فرایند تدریس و یادگیری.

هدف نهایی این انجمن ارتقای سطح یادگیری در درون نظام‌های آموزشی کشورها از طریق انجام مطالعات تطبیقی در مورد سیاست‌های آموزشی و شیوه‌های اجرایی مربوط به آن‌هاست. در واقع، انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تلاش‌های خود را به انجام مجموعه‌ای از مطالعات یادگیری در موضوع‌های درسی پایه در مدارس و بعضی بررسی‌های دیگر در موضوع‌های مورد علاقه‌ی اعضای خود معطوف کرده است. داده‌های پرلز نشان می‌دهد، این موضوع در تمام کشورهای شرکت‌کننده صادق است. این داده‌ها تأیید می‌کنند، زمان اختصاص داده

شده به فعالیت‌های اولیه‌ی سواد خواندن، دسترسی به منابع و مواد خواندن در محیط خانه و وجود جوی فعال و یاری‌بخش، از عوامل مهم و اساسی در پیشرفت خواندن به‌شمار می‌آیند. در این مقاله تلاش شده است با تأکید بر یافته‌های استخراج شده از پرسش‌نامه‌ی والدین، رابطه‌ی بین عوامل آموزشی و تربیتی خانواده با پیشرفت سواد خواندن، براساس نتایج پرلز، بررسی شود.

از میان عوامل مؤثر در سواد خواندن، عامل خانواده، به منزله‌ی نخستین نهاد تربیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به همین منظور، در اینجا تلاش شده است به استناد یافته‌های مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن، نقش خانواده در گستره‌ی مقایسه‌ی ملی و جهانی بررسی شود.

بررسی و تحلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها و الگوهای تعاملی آن‌ها با فرزندان تا قبل از آغاز آموزش رسمی نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌های

● خواندن برای به‌دست آوردن اطلاعات و استفاده از آن‌ها.

پرلز به چهار فرایند درک مطلب به شرح زیر نیز توجه دارد:

● تمرکز و بازیابی اطلاعاتی که صریحاً بیان شده‌اند؛

● رسیدن به استنباط‌های مستقیم؛

● تعبیر و تلفیق ایده‌ها و اطلاعات؛

● بررسی و ارزیابی ویژگی‌های محتوا، زبان و متن.

به منظور ارزیابی اهداف و فرایندهای مطرح شده‌ی خواندن، آزمون پرلز مجموعه‌ای از متون روایی و اطلاعاتی و پرسش‌هایی را در بر دارد که دانش‌آموزان را به استفاده از فرایندهای متفاوت درک مطلب ملزم می‌کند.

مهم‌ترین یافته‌های ملی پرلز از

سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶

نگاهی به نتایج به‌دست آمده در پرلز ۲۰۱۶ و سقوط به نسبت شدید و غیرقابل انتظار عملکرد دانش‌آموزان ایرانی نسبت به

آشکار میان خانواده‌های محروم و برخوردار از یک سو و تحصیل کرده و بی‌سواد از سوی دیگر است. مقایسه‌ی عملکرد دانش‌آموزان برتر در پرلز ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ و دانش‌آموزان ضعیف‌تر، یکی دیگر از بررسی‌های این گزارش است که نتایج آن می‌تواند زمینه‌های تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده‌ی شکل‌گیری زبان و مهارت‌های خواندن در قبل از مدرسه را نشان دهد.

تعریف سواد خواندن در مطالعه عبارت است از: توانایی درک و استفاده از قالب‌های متنی مورد نیاز جامعه یا ارزشمند برای فرد. مطالعه‌ی متن به شکل‌های گوناگون و معنابخشی آن.

خواندن برای یادگرفتن، آن‌ها می‌خوانند تا در اجتماعات مدرسه یا زندگی روزانه شرکت کنند. یا برای سرگرمی و لذت بردن مطالعه می‌کنند (کمپل، ۲۰۰۱).

آزمون خواندن پرلز به دو هدف عمده‌ی کودکان از مطالعه و خواندن توجه دارد:

● خواندن برای تجربه‌ی ادبی؛

دوره‌های قبل و مشاهده‌ی نتایج مطالعه‌ی بین‌المللی روند علوم و ریاضیات (تیمز ۲۰۱۵) و روند کاهشی آن (به‌ویژه در درس علوم هر دو پایه‌ی تحصیلی چهارم و هشتم)، «تفاقی معنی‌دار» و «خطایی نظام‌مند» اما ناخوشایند و قابل تأمل را در نظام آموزشی ما نشان می‌دهد که باید هرچه سریع‌تر اما عمیق‌تر و علمی‌تر به شناسایی عوامل و دلایل این «افت آشکار» همت گمارد.

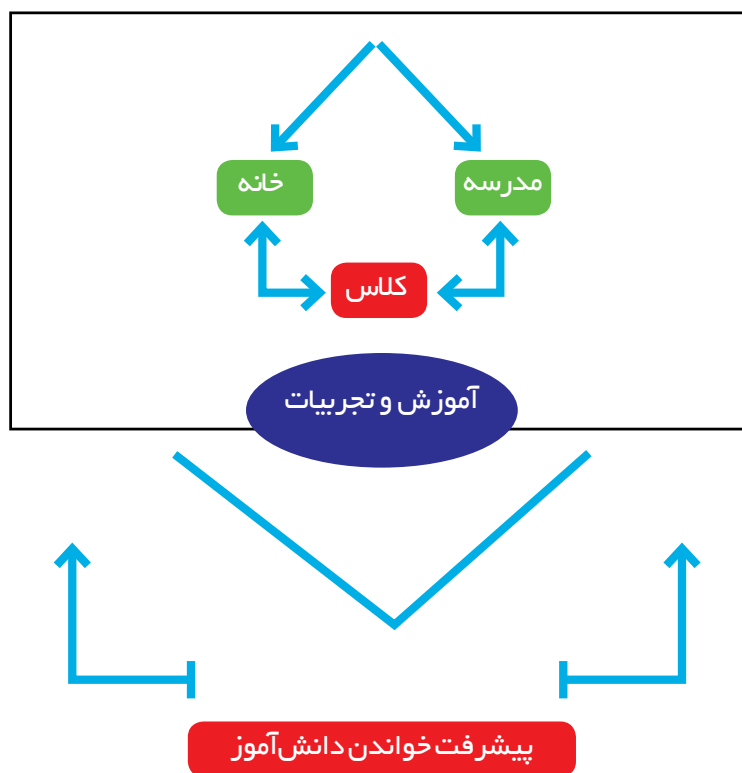
این روند کاهشی در تیمز و پرلز به‌گونه‌ای است که ۳۰ نمره کاهش در پرلز ۲۰۱۶ نسبت به دوره‌ی قبل (از ۴۵۷ به ۴۲۸)، ۳۲ نمره کاهش در علوم پایه‌ی چهارم تیمز ۲۰۱۵ نسبت به دوره‌ی قبل (از ۴۵۳ به ۴۲۱)، ۱۸ نمره کاهش در علوم پایه‌ی هشتم نسبت به دوره‌ی قبل (از ۴۷۴ به ۴۵۶)، نبود تغییر در ریاضیات پایه‌ی چهارم تیمز ۲۰۱۵ (همان ۴۳۱) و فقط

۱۸ نمره افزایش در ریاضیات پایه‌ی هشتم تیمز ۲۰۱۵ حاصل شده است. این در حالی است که در هیچ یک از دوره‌های قبلی تیمز (از ۱۹۹۵ میلادی تا کنون) و در هیچ دوره‌ای از پرلز (از ۲۰۰۱ تا کنون) چنین کاهشی با این وسعت و جامعیت نداشته‌ایم. در حالی که در گزارش بین‌المللی تیمز و پرلز ۲۰۱۱ انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (IEA)، کشور ایران را به‌عنوان کشوری معرفی کرده که در طول ده سال گذشته (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱)، از نظر عملکرد آموزشی روند افزایشی قابل ملاحظه‌ای داشته است. برای مثال، از روند عملکرد دانش‌آموزان ایران در تیمز ۲۰۱۱ و مقایسه‌ی آن با دوره‌های قبلی تیمز (۱۹۹۹، ۱۹۹۵، ۲۰۰۷، ۲۰۰۳)، و نیز پرلز ۲۰۱۱ در مقایسه با پرلز ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ مشاهده می‌شود، عملکرد دانش‌آموزان ایران در مطالعه‌ی تیمز ۲۰۱۱ به ترتیب

در درس علوم پایه‌ی چهارم ابتدایی ۷۳ نمره، ریاضیات پایه‌ی چهارم ۴۴ نمره و عملکرد پایه‌ی سوم راهنمایی ۱۲ نمره و عملکرد ریاضی دانش‌آموزان سوم راهنمایی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به میزان ۱۲ نمره افزایش یافته است. این عملکرد از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ در مجموع سه نمره کاهش را نشان می‌دهد، اما در مطالعه‌ی پرلز ۲۰۱۱، در درس سواد خواندن، نسبت به دوره‌ی قبل (۲۰۰۶)، ۴۴ نمره پیشرفت داشته است.

با نگاهی به مهم‌ترین یافته‌های به‌دست آمده در گزارش‌های ملی و بین‌المللی کشورهای شرکت‌کننده در مطالعه‌ی پرلز مشخص می‌شود، پژوهشگران، تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان و مدیران مدارس و اعضای جامعه به‌طور عام، تلاش‌هایی انجام داده‌اند تا از این یافته‌ها در سطوح خانه، مدرسه و جامعه، در جهت بهبود و تقویت سواد خواندن بهره بگیرند. از جمله، هر یک از کشورها، پس از انتشار نتایج تلاش کرده‌اند با تهیه‌ی گزارش‌های توصیفی، تحلیلی و تشخیصی، متناسب با نیازهای گروه هدف، روش‌ها و راهکارهای تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی را ارائه دهند. بروشورها، چکیده‌ها، گزارش‌هایی همراه با جزئیات و خبرهای اطلاعاتی نیز برای متولیان و کارشناسان و مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی تهیه کرده‌اند.

با مروری بر یافته‌های پرلز در طول ۱۵ سال گذشته (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶) می‌توان چند عامل تأثیرگذار بر توانایی دستاوردهای آموزشی و تربیتی رانشناسی کرد. تعدادی از عوامل معتبر در بافت ارزشیابی پرلز عبارت‌اند از: جنسیت، زبان مادری، پیشینه‌های مرتبط با مهاجرت، نگرش نسبت به خواندن، تصور فرد از توانایی‌هایش در خواندن و عادات‌های مطالعه در خانواده. تعامل و درهم تنیدگی برخی از عوامل در شکل روبه‌رو به تصویر کشیده شده است. ■





کلاس چند پایه برنامه ریزی پُرمایه

نکاتی برای برنامه ریزی هفتگی در کلاس های چند پایه یکی از مهم ترین مهارت های آموزگار چند پایه، مهارت برنامه ریزی است. منظور از برنامه ریزی همان برنامه ی هفتگی است که با کلاس های تک پایه فرق دارد. در تهیه ی برنامه ی هفتگی کلاس های چند پایه، توجه به چند زمینه لازم است:

۱. فضای فیزیکی

فضای کلاس درس تأثیر بسزایی در تهیه ی برنامه ی هفتگی کلاس های چند پایه دارد. معلم باید متناسب با فضای کم یا زیاد کلاس درس، روش تدریس خود را انتخاب کند. در فضاهای بزرگ تر می توان فعالیت های بیشتری انجام داد. مثلاً تحرک دانش آموزان بیشتر می شود و در ساعاتی که باید به انجام آزمایش پرداخت یا دانش آموزان را گروه بندی کرد، بازده و یادگیری دانش آموزان افزایش می یابد. وجود فضای سبز در محیط آموزشگاه نیز در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان (به ویژه درس علوم) تأثیر زیادی دارد.

۲. امکانات و تجهیزات آموزشی

وسایلی فیزیکی هستند که توسط آن ها پیام آموزشی منتقل می شود. براساس این تعریف، یک متن ساده ی چاپ شده تا پیچیده ترین دستگاه ها، همه رسانه محسوب می شوند. در کلاس چند پایه ی شما چه امکاناتی وجود

دارد؟ از امکانات موجود بهترین استفاده را ببرید

۳. تعداد دانش آموزان

هر چه تعداد دانش آموزان بیشتر باشد، راحت تر می توانیم آن ها را گروه بندی کنیم. تعداد بیشتر دانش آموزان در درس ورزش مؤثر است و فعالیت های متنوع و بیشتری را می طلبد.

۴. ارتباط عمودی و افقی درس ها

با توجه به ارتباط عمودی می توانیم مثلاً درس ریاضی سه پایه ی نزدیک به هم را در یک ساعت تدریس کنیم. برای این کار می توانیم با روش تلفیقی، مطالب را طوری بیان کنیم که به هر سه پایه تدریس شود. ارتباط افقی هر پایه می تواند پیش زمینه ای باشد برای پایه های بالاتر.

۵. موقعیت جغرافیایی

در مناطق سردسیر، به دلیل سرما و یخبندان

زیاد فصل زمستان، در پایان سال، کلاس ها دیرتر از مناطق گرمسیر تعطیل می شوند. اردوها و امتحانات و فعالیت های خارج از کلاس و جشن ها باید متناسب با وضعیت آب و هوا تنظیم شوند. در تأثیر موقعیت جغرافیایی بر یادگیری مثلاً دانش آموزان مناطق شمال کشور مطالب مربوط به آن منطقه و آب و هوا را راحت تر یاد می گیرند، زیرا در آن شرایط آب و هوایی زندگی می کنند. اما اگر بخواهیم مطالب مربوط به شمال کشور را به دانش آموزانی که در جنوب کشور زندگی می کنند تدریس کنیم زمان بیشتری لازم است.

۶. محتوای کتاب درسی

معلم کلاس چند پایه در هر جلسه دو تا پنج پایه را آموزش می دهد و هم زمان به کارهای اداری، آموزشی و پرورشی نیز رسیدگی می کند. هر کلاس تک پایه ۲۵ ساعت تدریس هفتگی دارد و کلاس چند پایه (متشکل از دو تا پنج یا شش پایه) نیز همین تعداد ساعت هفتگی را برای هر پایه دارد. تراکم درس ها و پایه ها موجب تنوع در نوع فعالیت های یاددهی - یادگیری می شود. زیرا سطح تنوع در کلاس های چند پایه مشکلی بزرگ در راه رسیدن به یادگیری دیده شده است.

۷. تفاوت های فردی

وقتی دانش آموزی را از لحاظ ویژگی هایی مثل قد، وزن، نمره ی درسی، دامنه ی توجه با میزان مشارکت در فعالیت های اجتماعی با





دیگران مقایسه می‌کنیم، موضوع تفاوت‌های بین فردی مورد نظر ماست. توجه به تفاوت‌های بین فردی، به‌خصوص در سال‌های اول دبستان، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. معلم باید امکانات موجود را برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری به کار گیرد و با به کارگیری دانش‌آموزان فعال و توانمند به عنوان معلم یار یا جانشین، هم حس وحدت و مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت کند و هم کارهای آموزشی خود را راحت‌تر پیش ببرد.

ساعت اول هر روز چه درسی قرار گیرد؟ چرا؟

در جلسه‌ی هم‌اندیشی با معلمان با تجربه‌ی کلاس‌های چندپایه، بیشتر آن‌ها ترجیح می‌دادند که ساعت اول روز، درس‌های ریاضی، علوم و بخوانیم و بنویسیم در برنامه‌ی هفتگی قرار گیرد. با وجود این بهتر است ساعت اولیه‌ی پایه‌ی مختلف درس‌های متفاوتی قرار داده شود.

انواع برنامه‌های هفتگی در کلاس‌های چندپایه

تعداد ساعاتی که برای هر درس در نظر گرفته می‌شود، با توجه به مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است.

با توجه به توصیفی شدن آموزش، می‌توان بیشتر به جنبه‌ی تفکر خلاق و ریسک‌پذیری برنامه‌ها فکر کرد و با توجه به وضعیت کلاسی و نوع پایه‌ها، برنامه‌های متنوع و

جذاب‌ی را برای یک هفته تدارک دید. با توجه به تعداد پایه‌های هر کلاس، می‌توان معلم‌محور یا دانش‌آموز‌محور برنامه‌ریزی کرد. البته بهتر است به تدریج میزان برنامه‌های دانش‌آموز‌محور افزایش یابد تا دانش‌آموز محور و مرکز یادگیری باشد و معلم ناظر و راهنما. دانش‌آموزان باید این قانون را یاد بگیرند که: «اول از دوستت بپرس، بعد از معلم».

وجود برنامه‌های مشارکتی نیز در این کلاس‌ها مهم است تا تعدادی از دانش‌آموزان به عنوان معلم یار، معلم را در تدریس و تداوم و پیگیری آن یاری دهند.

برنامه تربیت بدنی هر پایه را چگونه در برنامه قرار می‌دهیم؟

تربیت بدنی و ورزش از اموری است که گاهی در مدارس چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. برنامه‌ی تربیت بدنی نیز باید توسط کارشناس آشنا به امور و علاقه‌ها و استعدادها و توانایی‌های بچه‌ها تنظیم شود. ساعت تربیت بدنی باید بین هفته پخش شود و مثلاً در یک روز انجام نگیرد تا در حین آموزش مواد سنگین مثل ریاضی، تنوع حاصل شود و مغز بچه‌ها استراحتی داشته باشد تا برای یادگیری‌های بعدی آماده شود. ورزش باید مورد توجه قرار گیرد و از برنامه‌های ورزشی، به بهانه‌ی آموزش مواد درسی، نباید صرف‌نظر کرد. استفاده از ساعات ورزشی برای آموزش مواد درسی عقب‌افتاده، به نظر مفید نمی‌آید، چون بچه‌ها خودشان را برای تفریح و ورزش آماده کرده‌اند و تمرکز لازم را نخواهند داشت.

سعی کنیم در کنار درس‌های مشکل در یک روز، ساعتی را به ورزش اختصاص دهیم تا دانش‌آموزان در آن روز از لذت یادگیری برخوردار باشند.

اگر تعداد کم باشد، پایه‌های پایین را با هم ورزش می‌دهیم (اول، دوم، سوم) و پایه‌های بالاتر را با هم (چهارم، پنجم، ششم)

برای کلاس‌های چند پایه نیز از همین ابتدای سال تحصیلی می‌توان برنامه‌های هفتگی در نظر گرفت و طبق آن پیش رفت. کلاس‌های چند پایه تنها به کشور ما اختصاص ندارد، بلکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته‌ی دارای کلاس‌های چندپایه‌ای که برخی به صورت اختیاری و برخی به صورت اجباری این کلاس‌ها را تشکیل می‌دهند. هدف از تشکیل این کلاس‌ها زیر پوشش قرار دادن کودکان واجب‌التعلیم در مناطق دورافتاده و روستایی است.

فضای آموزشی دو بعد فیزیکی و فرهنگی دارد. بعد فیزیکی فضای آموزشی شامل محوطه‌ی مدرسه، فضای سبز، کلاس‌ها، آزمایشگاه، نمازخانه، زمین ورزش، سرویس بهداشتی، کتاب‌خانه و مراکز دیداری و شنیداری است که برای محیط آموزش و یادگیری در نظر گرفته شده‌اند. بیشتر مدارس چندپایه فضای آموزشی مناسبی ندارند و گاهی فضای فیزیکی آن‌ها هیچ شباهتی با کلاس درس ندارد. حتی معلم با مشکل نظافت کلاس‌ها نیز روبه‌روست.

نگاه‌های متفاوتی به کلاس‌های درس چندپایه وجود دارد. برخی آن‌ها را جزو معضلات نظام آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود و بعضی دیگر، وجود این کلاس‌ها را فرصتی برای عملکرد بهتر آموزش و پرورش به شمار می‌آورند. در کشورهای پیشرفته، با وجود امکان دسترسی به آموزش و تسهیلات برای برگزاری کلاس‌های درس تک‌پایه، در دوره‌ی ابتدایی نگاه‌ها به سمت ایجاد کلاس‌های درس چندپایه معطوف است. ■

اندیشه‌ی زیبا مدرسه‌ی زیبا

صبح روز چهارشنبه، پانزده آذرماه، مصادف با هفده ربیع‌الاول، زادروز تولد حضرت محمد (ص)، به زاهدان رسیدم. بلافاصله به سمت ایرانشهر حرکت کردم و از آنجا به روستای هود سارتاپ‌دن راهی شدم تا صدیق کهرازی را ببینم و نوآوری او را از زبان خودش بشنوم که برای جذب دانش‌آموزان به حضور در مدرسه، چه فعالیت‌هایی انجام داده است. مسیر هفت ساعته تا مدرسه خسته‌ام کرده بود، اما شنیدن حرف‌های او و دیدن محیط مدرسه، خستگی را از تنم خارج کرد. آنچه را انجام داده بود از زبان خودش بخوانیم:

«سال تحصیلی ۹۴-۹۵ برای دبستان هود سارتاپ دن ابلاغ

صدیق کهرازی، آموزگار دبستان حضرت هود (ع) سارتاپ دن، در خانواده‌ای فرهنگی بزرگ شده و پدر ایشان از معلمان باسابقه‌ی شهرستان ایرانشهر است. بسیاری از مسئولان امروز آموزش و پرورش شهرستان ایرانشهر، تا قبل از سال ۸۳ که ایشان بازنشسته شود، توفیق درک محضر ایشان را داشته‌اند. صدیق ۱۲ سال پیش از مرکز تربیت معلم شهید مطهری زاهدان فارغ التحصیل شده و از آن زمان تاکنون در روستاهای حوزه‌ی لاشار شهرستان نیک‌شهر که تا محل زندگی او ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد، وی معلم مدارس روستایی و کلاس‌های چندپایه است. وقتی به تدریس در یک مدرسه‌ی روستایی مأمور می‌شود، کدخدای ده مانع از حضور بچه‌ها در کلاس او می‌شود، اما صدیق کهرازی از پا نمی‌نشیند و امروز ۵۰ شاگرد دارد که به سختی مدرسه را ترک می‌کنند.



گرفتم؛ دبستانی در محروم‌ترین منطقه‌ی هیودان؛ منطقه‌ای که ابتدایی‌ترین امکانات (جاده، آنتن موبایل، آب لوله‌کشی و ...) نداشت. برای اولین بار به این روستا می‌رفتم. چهارم مهرماه ابلاغ را از اداره‌ی آموزش و پرورش لاسار دریافت کردم و با موتورسیکلت به روستای هود سارتاپ حرکت کردم. بعد از ۴۵ دقیقه به روستا رسیدم. تصور می‌کردم دانش‌آموزان منتظر معلم هستند، ولی خبری از دانش‌آموزان نبود! بعد از ده دقیقه، کدخدای روستا به مدرسه آمد و گفت ما شما را به‌عنوان معلم این روستا قبول نداریم و باید از اینجا بروی. خیلی تعجب کردم. در پاسخ

به ایشان گفتم، من طبق حکم دولتی معلم این مدرسه هستم و جایی نخواهم رفت. مردم روستا هم پس از شنیدن گفت‌وگوهای من و کدخدا گفتند، ما تو را نمی‌خواهیم. اگر قرار است شما معلم باشید، حاضریم فرزندان ما ترک تحصیل کنند و درس نخوانند! سال تحصیلی جدید به این زیبایی شروع شد. یکشنبه ساعت ۷ صبح در مدرسه را باز کردم و منتظر دانش‌آموزان شدم. عقربه‌های ساعت به تندی می‌گذشتند و زمان شروع کلاس را نشان می‌دادند، اما هیچ یک از دانش‌آموزان به مدرسه نیامدند! نمی‌دانستم چه کار کنم. فکر کردم بهتر است بروم و با

مردم روستا صحبت کنم. این کار را انجام دادم، اما مردم حرف خودشان را تکرار می‌کردند و می‌گفتند **نیازی به معلم نداریم! تلفن همراه در منطقه آنتن نمی‌داد تا به اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه‌ی لاسار اطلاع بدهم.** خودم هم خسته شده بودم. در این مدت، نه غذای درست و حسابی می‌خوردم نه کسی به من توجه می‌کرد. از طرف دیگر، نمی‌توانستم به اداره‌ی منطقه‌ی لاسار برگردم، چون وسیله‌ی نقلیه‌ام خراب شده بود. در آخرین روز هفته‌ی اول شروع سال تحصیلی، مجبور شدم پیاده به سمت جاده‌ی اصلی حرکت کنم. تا آنجا سه ساعت پیاده‌روی کردم



و بی‌روح بود. باید کاری می‌کردم تا فضای مدرسه را عوض کنم. به فکرم رسید مدرسه را رنگ کنم. از این طریق، می‌توانستم هم ظاهر آن را تغییر بدهم و هم انگیزه و شور و شوق دانش‌آموزان را بالا ببرم. هفته‌ی سوم شروع به رنگ‌آمیزی مدرسه کردم. از همه دعوت کردم برای دیدن مدرسه به آنجا بیایند. از صحبت‌های بین دانش‌آموزان متوجه شدم از این کار خوش‌حال هستند. مرتب می‌گفتند: مدرسه‌مون داره قشنگ می‌شه! وقتی تأثیر این کار را دیدم، تلاشم بیشتر شد. مطالب مهم درسی را روی دیوارهای مدرسه نوشتم تا بتوانم انگیزه‌ی دانش‌آموزان را بالا ببرم. تقریباً موفق شدم.

کدخدای روستا بودند، مخالف درس خواندن فرزندانشان بودند. هیچ دلیلی هم نمی‌آوردند! فقط می‌گفتند معلم قبلی را دوست داریم. صبح روز بعد هم هیچ دانش‌آموزی به مدرسه نیامد! تصمیم گرفتم خودم به تک‌تک خانه‌ها مراجعه کنم و از بچه‌ها برای آمدن به مدرسه دعوت کنم. خوشبختانه تقریباً ۳۰ نفر به مدرسه آمدند. من خیلی خوش‌حال بودم که توانستم بچه‌ها را به مدرسه بیاورم. اما مشکل اساسی دیگری در کلاس داشتم و آن اینکه هیچ‌یک از دانش‌آموزان انگیزه‌ی کافی برای مدرسه آمدن نداشتند! البته حق هم با آن‌ها بود، چون مدرسه‌ی ما مدرسه‌ای به هم ریخته

تا با ماشین‌های عبوری به شهر خودم ایرانشهر، که در فاصله‌ی ۱۱۰ کیلومتری بود، برگردم. یک هفته‌ی خسته‌کننده گذشته بود، ولی ناامید نشدم. هفته‌ی بعد دوباره به سمت روستا حرکت کردم. به خودم گفتم، هر کس جلوی دانش‌آموزان را بگیرد، از طریق قانونی اقدام می‌کنم و اگر لازم باشد شکایت می‌کنم تا این مشکل حل شود. با این فکر، توانستم تا حدودی مشکل را حل کنم. از ۵۵ دانش‌آموز، ۲۰ دانش‌آموز وارد کلاس شدند. این راه‌حل به‌طور موقتی جواب داد. شنبه‌ی هفته‌ی دوم کلاس درس را شروع کردم. بچه‌ها علاقه‌ی زیادی به درس خواندن داشتند، ولی والدین که تحت‌تأثیر



به خانه‌هایشان می‌رفتند و دوباره به مدرسه برمی‌گشتند.

حتی روزهای تعطیل رسمی هم به مدرسه می‌آمدند، چون تنها محیط زیبا و شاد روستا مدرسه بود. همین هم عاملی برای جذب دانش‌آموزان روستا بود. در این راه خیلی سختی کشیدم، ولی امیدوارم وظیفه‌ای را که به‌عنوان معلم بر گردنم هست، به نحو احسن انجام داده باشم.

وقت برگشتن به تهران، به معلم‌هایی می‌اندیشیدم که با دست خالی اما با اندیشه و تلاش عالی و تدبیر، کارهایی انجام می‌دهند که در واقع وظیفه‌ی شغلی آن‌ها به حساب نمی‌آید، اما با عشق همان کاری را می‌کنند که طفلان را جمعه هم به مکتب می‌آورند. ■

می‌گذشت. خدا را شکر توانستم با صبر و توکل بر خدا و با رنگ‌آمیزی ساده‌ی مدرسه، دانش‌آموزان را جذب مدرسه و تحصیل کنم. همچنین، نظر اولیا را نسبت به خودم تغییر بدهم. اوایل سال تحصیلی به خانه‌ی بچه‌های روستا می‌رفتم و به اجبار آن‌ها را به مدرسه می‌آوردم، اما پس از گذشت چند ماه تلاش، دانش‌آموزان ساعت ۶ صبح، به خانه‌ی من که در مدرسه بود، می‌آمدند و مرا بیدار می‌کردند که آقای مدیر کلیدهای مدرسه را بده تا کلاس را باز کنیم! تا پایان اردیبهشت، مدرسه از ساعت ۶ صبح تا غروب آفتاب باز بود. بچه‌ها فقط ساعت دوازده تا یک بعداز ظهر برای صرف ناهار

هفته‌ی چهارم توانستم تمام دانش‌آموزان، حتی دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده‌ی چند سال قبل را هم به مدرسه بیاورم. این مشکل بحمدالله حل شد. مردم روستا هنوز مخالف من بودند و با من همکاری نمی‌کردند. حتی خریده‌های مدرسه را با ماشین‌هایشان به روستا نمی‌آوردند. من هم مجبور بودم تخته وایت‌برد و ورق‌های فلزی دور حیاط مدرسه و لاستیک‌های فرسوده‌ی ماشین را که از آن‌ها به‌عنوان گلدان در مدرسه استفاده می‌کردم، با موتور از مسیرهای سخت به آنجا ببرم. حاصل این تنهایی در مسیر، مبتلا شدن به کمر درد و زانو درد شد. روزها همچنان سخت



خاطره

چتری برای زندگی

و از خدا خواستم کمک کند. سؤال اول را که راحت بود جواب دادم. به‌طور تعجب‌آوری سؤال دوم هم در نظرم راحت آمد و به آن جواب دادم. همین‌طور یکی پس از دیگری، تا سؤال آخر، همه را جواب دادم. خانم مرادی را هم متعجب کرده بودم. می‌گفت ابراهیمی خوب به سؤال‌ها جواب می‌دهی، در حالی که همه‌ی دانش‌آموزان از سخت بودن امتحان شکایت می‌کردند. دوباره جواب‌ها را چک کردم تا مبادا عددی را اشتباه نوشته باشم. با چک کردن هر جواب، چتر را هم در ذهنم تصور می‌کردم. بالاخره زنگ به صدا درآمد و خانم مرادی ورقه‌ها را گرفت. همه به حیاط مدرسه رفتیم. هر کدام از دانش‌آموزان جواب‌های درستش را به رخ می‌کشید و می‌گفت من صاحب چتر هستم. به من هم می‌گفتند چرا ساکتی؟ امتحانت چطور بود؟ من می‌گفتم شماها که از من خیلی زرنگ‌ترید، من هرگز به پای شما نمی‌رسم.

زنگ تفریح تمام شد و به کلاس برگشتیم. خانم مرادی مرا صدا زد و گفت تو بهترین نمره‌ی کلاس را گرفتی. چتر را هم به‌عنوان جایزه به من داد و گفت همه ابراهیمی را تشویق کنید. در حالی که بچه‌ها برایم کف می‌زدند، چتر را تحویل گرفتم. خدا را شکر کردم که به آرزویم رسیده بودم.

به خانه که رسیدم، مادرم در را باز کرد، در حالی که یک نایلون در دستش بود؟ پرسیدم مادر این چیست؟ گفت کلاه قدیمی‌ام، می‌روم آن را بفروشم و برای چتر بخرم. چترم را نشان دادم. غافلگیر شد. ماجرا را برایش تعریف کردم. مادرم دعا کرد، فرزندم خدا کند روزی خودت هم معلم شوی و این‌گونه دانش‌آموزانت را خوش حال کنی. بعدها فکر کردم، شاید معلم سر راه مدرسه دیده بود که من با خجالت نایلون را از روی سرم برداشته و به مدرسه آورده‌ام. برای همین تصمیم گرفتم به بهانه‌ی امتحان به من چتر بدهد. حالا که معلم شده‌ام، سعی می‌کنم نیازهای دانش‌آموزانم را درک کنم و اگر می‌توانم کاری برایشان انجام دهم.

هایده ابراهیمی

استان کردستان، شهرستان مریوان، مدرسه‌ی پسرانه‌ی ایمان

کلاس پنجم ابتدایی بودم. در مدرسه‌ی ابوعمار شهرستان سروآباد درس می‌خواندم. فصل بارش برف و باران بود. همه‌ی پدر و مادرها برای فرزندانشان چتر خریده بودند. من هم چندین بار به پدرم گفتم برایم چتر بخر، اما او عصبانی می‌شد و می‌گفت آخر پول از کجا بیاورم؟ چتر می‌خواهی چه‌کار؟ در روزهای بارانی، روی مقنعه‌ات روسری سر کن و وقتی به مدرسه رسیدی روسری را از سرت بردار تا مریض نشوی. مادرم هم با نگاهی غصه‌دار گفت: دخترم ناراحت نباش. تو فقط درست را بخوان. اگر صبر داشته باشی، یک کلاه قدیمی (به زبان کردی فه یس) دارم. آن را می‌فروشم و با پولش برای چتر می‌خرم. وقتی لحن غم‌آلود مادرم را شنیدم، از گفته‌ی خودم پشیمان شدم و در دلم گفتم، خدا جان من سرما را ترجیح می‌دهم. یک روز صبح، با صدای بارش تند باران از خواب بیدار شدم. خودم را برای رفتن به مدرسه آماده کردم. وقتی از خانه خارج شدم، مادرم یک پلاستیک آورد و در حالی که سرم می‌کرد، گفت، الهی برایم بمیرم. چتر که نداری با خود ببری، لااقل این نایلون را سرت کن خیس نشوی. من هم برای اینکه مادرم ناراحت نشود، نایلون را روی سرم گذاشتم. مادرم ناراحتی قلبی داشت و دوست نداشتم ناراحتی او را ببینم. چند قدمی به مدرسه مانده بود که پلاستیک را از سرم برداشتم با عجله خودم را به داخل سالن مدرسه رساندم. چند بار دوستانم پیشنهاد کردند با هم به حیاط مدرسه برویم و زیر باران بازی کنیم، اما من هر بار با بهانه‌ای پیشنهادشان را رد کردم. تا اینکه مدیر مدرسه اعلام کرد به خاطر بارش باران برنامه‌ی صبحگاهی نداریم و بچه‌ها باید به کلاس‌هایشان بروند. البته من هنوز دلم می‌خواست یک چتر داشته باشم و با آن تا می‌توانستم زیر باران بازی کنم.

زنگ اول ریاضی داشتیم. خانم مرادی به کلاس آمد و بعد از حضور و غیاب گفت: دختران عزیزم، در امتحان امروز، هر دانش‌آموزی نمره‌ی بالای ۱۷ بگیرد، یک چتر هفت‌رنگ جایزه می‌گیرد. من با خودم گفتم، این همه دانش‌آموز زرنگ در کلاس هست. آن‌ها به تمام سؤال‌ها جواب درست می‌دهند. خوش به حال دانش‌آموزی که چتر جایزه می‌گیرد. خانم مرادی ورقه‌های ریاضی را پخش کرد. هر دو نفر را روی یک میز و نیمکت نشاند که راه قلب را بسته باشد. من هم ورقه را برداشتم

تجربه

چشم انتظار مجلات رشد

این روزها بچه‌های ما زیاد کتاب نمی‌خوانند. این واقعیتی تلخ است که همه‌ی دلسوزان فرهنگ و همه‌ی مدیران و مربیان و کتاب‌داران و ناشران را به چالشی جدی فراخوانده است. موضوع پراهمیتی که نه‌تنها برای امروز، که قطعاً برای نسل‌های آینده نیز آسیب‌های جدی به دنبال خواهد داشت.

پرداختن به راهکارهای علاقه‌مند کردن بچه‌ها به مطالعه از حوصله‌ی این نوشته خارج است، اما تشویق آن‌ها به استفاده از مجلات رشد دانش‌آموزی، موضوعی است که به آن می‌پردازم. به‌عنوان یک معلم، وقتی می‌بینم هنوز هم، زمانی که کسی به در کلاس ضربه می‌زند و یک دسته مجله‌ی رشد را به کلاس می‌فرستد و بچه‌ها یکصدا می‌گویند: «آخ جون مجله!»، حس خوبی دارم. چه قدر خوب که بچه‌های کتاب‌خوان امروز، هنوز هم برای دریافت مجله شادمانی می‌کنند و توی هوا می‌پرند!

این جریان ساده که هر ماه تکرار می‌شود، مرا مطمئن می‌کند که دست‌اندرکاران مجلات رشد توانسته‌اند هم‌پا و هم‌سو با نیازهای نسل جدید که کیلومترها با نسل خودشان فاصله دارند، رشد کنند و در این راه دغدغه‌مند و مسئولانه رفتار کرده‌اند.

بله، این واقعیتی است که دانش‌آموزان ما مجله را دوست دارند. حالا بماند که آیا واقعاً مطالبش را کامل مطالعه می‌کنند یا نه و آیا از بخش‌های کارشناسی شده‌اش بهره‌ی کافی را می‌برند یا نه؟ مهم این است که دوستش دارند و این می‌تواند نقطه‌ی آغاز و شروعی باشد برای برنامه‌ریزی‌های هدفمندتر و طولانی‌مدت‌تر برای بچه‌هایی که مطالعه نمی‌کنند، اما باید با کتاب آشتی‌شان داد. تمام تلاش من در طول سال‌های آموزگاری‌ام این بوده است که هم‌سو با دانش‌آموزان و برای جلب توجه آن‌ها، از مجله‌هایشان برای طراحی سناریوهای آموزشی، بازی‌های گروهی و حتی تنوع بخشیدن به تکالیف شب استفاده کنم. در ادامه یکی از تکالیف شب را با هم مرور می‌کنیم.

در مجله‌ی آبان‌ماه امسال رشد نوآموز داستان «گردش با ننه خرگوشه» آمده بود که به نظرم داستانی لطیف و جالب در مورد ارتباط بین دو نسل بود. (البته تقارن ماجرای خرگوش با درس مدرسه‌ی خرگوش‌ها که در همین ماه در کلاس دوم تدریس شده نیز نکته مثبتی بود).

از بچه‌ها خواستم ابتدا داستان را بخوانند و سپس آن را خلاصه کنند. (مهارت روان‌خوانی و خلاصه‌نویسی جزو مهارت‌آموزی‌های مهم پایه‌ی دوم هستند). پس از آن، با الهام و ایده گرفتن از کاردرستی صفحه‌ی بعد، شخصیت خرگوشک یا ننه خرگوشه را با ذرت بسازند و به کلاس بیاورند.

روز بعد، شور و هیجان بچه‌ها با کاردرستی‌های بامزه‌شان برای اجرای نمایش این داستان در کلاس فوق‌العاده بود.

خوب است بدانید، با این شخصیت‌های بامزه، کم‌کم حتی داستان اصلی نیز تغییر و تکاملی پیدا کرد که در نوع خودش بارزش و مهم بود. ■

نکته‌ی مهم

هدف نشریات دانش‌آموزی رشد، پرورش و تقویت خواندن مطالب غیردرسی است. آموزگاران محترم توجه داشته باشند، از مطالب این نشریات به‌عنوان سرگرمی و راهی برای ایجاد عادت مطالعه استفاده کنند، نه به‌عنوان تکلیف درسی.

بنفشه نفیسی

آموزگار کلاس دوم، دبستان فکر نو، ناحیه‌ی ۲ اصفهان





تجربه‌ی کاربرد روش تدریس استقرایی

آموزش یکی از دغدغه‌های بسیار مهم نظام‌های تعلیم و تربیت است. منظور از آموزش، ایجاد ارتباط تعاملی و فرایند دو سویه‌ی یاددهی-یادگیری اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌های مثبت درباره‌ی موضوعی است که متناسب با گروه سنی خاص و در شرایط زمانی معین، میان آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده به اجرا در آمده است. امروزه با گسترش مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه‌ی یادگیری و راهبردهای آموزشی، هدف از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، تغییر محیط‌های آموزشی به محیط‌های یادگیری است تا با ایجاد تغییرات مطلوب، در نگرش‌ها، شناخت‌ها و در نهایت رفتار انسان‌ها تغییر ایجاد کنند.

شبیه مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری ریشه در آن‌ها به چشم می‌خورد یا خیر، آن‌ها را طبقه‌بندی کردند.

سپس معلم گل‌دان کوچکی به هر گروه داد و از دانش‌آموزان خواست پیازهای خود را در آن بکارند؛ در ضمن، فرضیات خود را هم از طبقه‌بندی پیازها بگویند. ایده‌های اولیه‌ی گروه‌های دانش‌آموزان عبارت بودند از:

«آیا پیازهای بزرگ‌تر به گیاه‌های بزرگ‌تری تبدیل می‌شوند؟»

«آیا پیازهای کوچک می‌توانند به‌طور مستقل برویند؟»

«آیا تعداد ساقه‌های پیازهای کوچک‌تر، کمتر خواهد بود؟» و ...

دانش‌آموزان با شور و شغف ایده‌پردازی و پیش‌بینی کردند و پیازها را در گل‌دان‌ها کاشتند.

سپس معلم به دانش‌آموزان گفت: «هر روز پیازهای گل‌دان‌های خود را به‌طور دقیق مشاهده کنید و روند تغییر، اثر، ویژگی‌ها و خصوصیات شناسایی شده‌ی گیاهی را که خواهد روید، با ذکر تاریخ در دفترچه‌های

صفحه‌ی ۳۵ با موضوع کاشت دانه». پرسیدم: «اجازه می‌دهید به کلاستان بیایم؟»

با کمال میل پذیرفت.

وارد کلاس شدم. کلاس دو پایه‌ی اول و دوم. معلم برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوم آزمون عملکردی ریاضی طرح کرده بود. از بچه‌ها خواست گروهی به آن‌ها پاسخ دهند. سپس پیازها را روی میز سمت دانش‌آموزان اول گذاشت و بعد روی تخته سیاه نوشت: «گیاهان».

دانش‌آموزان دست‌های خود را بالا می‌بردند و پس از کسب اجازه، در مورد گیاهان و اهمیت آن‌ها در زندگی تبادل نظر می‌کردند. سپس معلم، در میان تشویق‌های پی در پی، دانش‌آموزان کلاس اول را به گروه‌های دو نفره تقسیم کرد و به آن‌ها گفت: «با هم گروهی خود نزدیک میز بیایید». معلم از دانش‌آموزان خواست پیازها را دسته‌بندی کنند. دانش‌آموزان بر اساس اندازه‌ی پیازها، داشتن یا نداشتن پوشش خاص، اندازه‌ی خاص یا رنگ خاصشان، و بالاخره اینکه آیا چیزی

در سال تحصیلی گذشته (۹۶-۱۳۹۵) با سمت «راهبری آموزشی و پرورشی» برای نظارت بالینی به مدارس روستایی و چند پایه‌ی شهرستان قائم‌شهر می‌رفتم. ماه آذر به یکی از مدارس چند پایه رفته بودم. سه همکار بالای بیست و هفت سال در دبستان مشغول تدریس بودند. زنگ تفریح در مورد روش‌های تدریس صحبت کردم و نظر همکاران را در مورد روش‌های نوین جویا شدم.

یکی از همکاران معتقد بود: «روش نوین تدریس یعنی استفاده از تکنولوژی و فناوری».

دیگری می‌گفت: «از ما گذشته و ...» پس از کمی تبادل نظر، قرار شد ساعت دوم به کلاس یکی از همکاران بروم. متوجه شدم همکار پایه‌ی اول مقداری پیاز در دست گرفته است تا به کلاس برود.

پرسیدم: «تدریس دارید؟»

گفت: «بله».

پرسیدم: «چه مبحثی؟»

گفت: «درس علوم، مبحث گیاهان».



اساس ویژگی‌های مشترک»؛
 ۴: تشکیل مفاهیم از طریق طبقه‌بندی: «طبقه‌بندی پیازها بر اساس اندازه، رنگ و ...»؛
 ۵: تولید و آزمودن فرضیه‌ها: «مشاهده‌ی روزانه‌ی رشد گیاه و تفاوت‌ها و ثبت در دفترچه»؛
 ۶: تحکیم و انتقال: «ارزیابی و درهم آمیختن مهارت‌ها از طریق تمرین و به کارگیری».
 به آموزگار گفتیم: «شما در واقع برنامه‌ی درسی علوم طبیعی را بر اساس فرایندهای پایه، مانند «ساخت طبقات، پیشگویی و آزمون اعتبار و پیشگویی‌ها»، طراحی و سازمان‌دهی کرده بودید.»

برایم خیلی جالب بود. همکارم بر اثر تجربه‌ی چندین ساله در کلاس، از روش فعال و نوین تدریس استفاده می‌کرد، ولی نام علمی این روش را نمی‌دانست. ■

این روش، دانش‌آموزان در کار گروهی اطلاعات جمع می‌کنند و آن‌ها را به دقت بررسی می‌کنند. دانش‌آموزان کار کردن با مفاهیم را می‌آموزند، دانش را می‌سازند و سپس آن را از طریق تجربه می‌آزمایند.»

به آموزگار گفتیم: «روش تدریس شما همان روش تفکر استقرایی است که یک روش فعال و نوین آموزشی است.» باورش نمی‌شد. گفتیم: «من می‌توانم مراحلش را برایتان بگویم. بعد هم با همکاران و شما مقایسه کنیم.»

مراحل تدریس استقرایی عبارت‌اند از:

- ۱: شناسایی حوزه: «گیاهان»؛
- ۲: گردآوری، ارائه و شمارش داده‌ها: «قرار دادن پیازها روی میز»؛
- ۳: بررسی داده‌ها: «بررسی پیازها بر



خود بنویسید.»
 بعد از اتمام کار دانش‌آموزان، به معلم گفتیم: «بسیار عالی، شما از روش نوین تدریس استفاده کرده‌اید.»
 باورش نمی‌شد. گفت: «من همه‌ی این سال‌ها در مبحث گیاهان این روش را اجرا می‌کنم. پس از مدتی و با رشد گیاه، دانش‌آموزان پاسخ ایده‌های اولیه‌ی خود را می‌یابند. با



خط، رنگ و معنا بر دیوار مدارس

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری، زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشته‌ها زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود. در همین زمینه پیشنهاد کردیم در قالب مسابقه‌ای شما می‌توانید از دیوار نوشته‌ها و طراحی‌های مدرسه خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. تعداد زیادی از مدیران و آموزگاران مدارس از این طرح استقبال کردند. برندگان این مسابقه در شماره‌ی ۴ معرفی شدند. بقیه‌ی تصاویر را نیز تا این شماره، در هر شماره چاپ کردیم. امیدواریم منشأ الهام سایر مدارس برای داشتن محیطی زیباتر شود.



دبستان شهید دهقان / شهرستان نکا



دبستان شمس / شهرستان گرمسار



دبستان شهید رضوان / نجف‌آباد / اصفهان



دبستان شهید میوه چین / ساری



دبستان نور / شهرستان گرمسار



دبستان شهید امیر نادر / استان اصفهان / شهرستان نجف آباد



دبستان فاطمه شعبان / دماوند / گیلاند



دبستان غیر دولتی سارا / منطقه ی مارلیک / شهرستان ملارد



دبستان غیر دولتی نرگس / شهر دماوند

صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماه‌نامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد. توجه داشته باشید، مطالبی مورد تأیید کارشناسان قرار می‌گیرد که حائز شرایطی باشد که در صفحه‌ی ۴۷ درج شده است.

۱ نجمه دائمی؛ آموزگار - استان گلستان، شهر گرگان

خاطره «لبخند شیرین» و «چی کار کنیم؟»

۲ جلال عرب اسدی؛ راهبر آموزشی و تربیتی - استان سمنان، شهر میامی

«کاهش ۳۳،۱۴ درصدی تکرار پایه با همت راهبران آموزشی و تربیتی استان سمنان»

۳ سید محمدحسن حسینی؛ آموزگار - مشهد

«مقایسه اثر روش تدریس "یادگیری تیمی رقابتی" و روش تدریس "تدریس دوطرفه خواندن و درک مطلب" بر مهارت خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان پنجم ابتدایی»

۴ حسین باقری؛ معاون آموزشی - استان بوشهر، شهرستان دیر

«موانع یادگیری در یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان»

«پرهیز از تجزیه در یاددهی و یادگیری»

۵ ریحانه طالب؛ آموزگار - نجف‌آباد

«بوی ماه مهر»، «تو را می‌پرستم، مرا دریاب»

۶ محمد شیرزادی؛ آموزگار - شهرستان رباط‌کریم

«تهدید بزرگترین مانع یادگیری»

۷ سعید چگنی، فریدون گراوند؛ مدرس دانشگاه

فرهنگیان، آموزگار - بروجرد

«هنر رفتار با دانش‌آموز مضطرب»

۸ سمینه خویی؛ مربی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - تهران

«ویژگی‌های یک کارگاه نقاشی خلاق»

۹ شیرین ابوذری بادی؛ آموزگار - استان اصفهان، شهرستان نطنز

«اثر بخشی حرکات و بازی‌های موزون در بهبود سطح توجه و تمرکز»

۱۰ سیده نرگس بلاغی، وحید مرادخواه؛ آموزگار - شیراز

«رهیافت آموزشی AR در نرم‌افزار آموزش ریاضی به

وسیله الگوسازی اولیه توسط معلمان مدرسه ابتدایی»

۱۱ ندا ملکی؛ مدیر مدرسه - تهران

«نقش مدارس در آموزش سبک زندگی سالم به نوجوانان و دستیابی به سلامت اجتماعی»

۱۲ سکینه حاجی رجبی، فیض‌اله رضائیان تیار؛ کارشناسی ارشد مدیریت سازمان‌ها، کارشناس تربیت بدنی

«عوامل اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان و تأثیر آن در افت تحصیلی و راهکارهای برخورد صحیح با آن»

۱۳ سبحان خانگلی زاد آری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، کارشناس آموزش و پرورش ابتدایی

«محبت و مهرورزی در امر تعلیم و تربیت»

۱۴ محمد احمدی خورشیدی؛ راهبر آموزشی - شهرستان بهشهر

«مدیریت کلاس درس هنر معلمی»

۱۵ مریم فخمی طاهرپور؛ آموزگار - سردرود

«درخت اشعار»

۱۶ هایداه ابراهیمی؛ آموزگار - استان کردستان، شهرستان مریوان

«چگونه محیط مدرسه را به محیط تحمل افکار دیگران و احترام به نظرات مختلف و اخلاق و ادب تبدیل کنیم و چگونه و با چه سبکی ارتقای اخلاق و ادب و کسب توان تحمل بالاتر را تمرین کنیم؟»، «بیست و هشت نکته مهم تجربه آموزشی در مورد کتاب فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه اول ابتدایی»

۱۷ معصومه افروز؛ آموزگار - آمل

«بلدای خاطره‌انگیز»

۱۸ نگین مقصودی؛ آموزگار - شهرستان برخوار

«تمرین احترام و تحمل در مدرسه»

۱۹ خداداد مزدائی؛ معاون آموزشی - سیرجان

«معلمان و چالش‌های آموزش فلسفه به کودکان»

۲۰ ابوالفضل نیکبخت؛ آموزگار - آمل

«چگونگی رفع حواس‌پرتی و بی‌دقتی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم ابتدایی»

۲۱ سید محمد فاطمی، فاطمه ابوالحسنی؛ آموزگار - حسن‌آباد جرقویه علیا، اصفهان

«روش‌های جذاب نمودن آموزش توسط معلم»

«۱۰ پیشنهاد برای موفقیت آموزگاران در درس ریاضی»

«معلمان عزیز! رویکرد جدید آموزش فراموش نشود»



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کو‌رک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوآموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نو جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد پرهیز** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد چراغ** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۷.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماه‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطره: معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماه‌نامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماه‌نامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۱۸۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
 ۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید. از آنجا که مطالب هر شماره از ماه‌نامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبوری کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماه‌نامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و به‌روزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماه‌نامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید. برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم:

مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

نظرسنجی رشد آموزش ابتدایی

مخاطب گرامی، در نظر داریم در نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب و موضوعات مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تغییراتی ایجاد کنیم. این مجله برای شما تهیه می‌شود و این شما هستید که باید به ما بگویید چگونه مجله‌ای می‌خواهید. پاسخ‌های دقیق شما به سؤال‌های زیر به ما کمک می‌کند از تلاش خود بهره‌ی بهتری نصیب جامعه‌ی معلمان ابتدایی کنیم. به ما کمک کنید بدانیم شما چه انتظاری از مجله‌ی مخصوص خودتان دارید. شرکت در این نظرسنجی وقت کوتاهی از شما خواهد گرفت، اما می‌تواند راهنمای ما برای ادامه‌ی راهی طولانی و درست‌تر باشد. متن پرسش‌نامه در سایت مجلات رشد به نشانی زیر موجود است:

<http://www.roshdmag.ir>

می‌توانید به‌طور مستقیم به لینک زیر نیز مراجعه فرمایید:

<http://www.roshdmag.ir/fa/nazarsanjibtedaiee>

برای استفاده از نسخه‌ی تلفن همراه پرسش‌نامه، بارکد مقابل را اسکن کنید.



در وبگاه اختصاصی ماهنامه‌ی رشد ابتدایی می‌توانید به فایل‌های صوتی و تصویری و همچنین بعضی از مطالب بیشتر دسترسی داشته باشید یا شماره‌های قبلی ماهنامه را دانلود کنید و حتی می‌توانید مقالات و گزارشی از فعالیت‌های خود را از صفحه‌ی مخصوصی که در اختیار شماست آپلود کنید.

<http://www.eb.roshdmag.ir>



وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی
مركز انتشارات ماهنامه‌ی آموزشی

رشد برای شما

نحوه‌ی اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت‌نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه‌ی سمره آزمايش كد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل‌شده‌ی اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳.

♦ عنوان مجلات درخواستی:

.....

- ♦ نام و نام خانوادگی:
- ♦ تاریخ تولد:
- ♦ میزان تحصیلات:
- ♦ تلفن:
- ♦ نشانی کامل پستی:
- ♦ استان:
- ♦ شهرستان:
- ♦ خیابان:
- ♦ پلاک:
- ♦ شماره پستی:
- ♦ شماره فیش بانکی:
- ♦ مبلغ پرداختی:
- ♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۸۸۸۶۷۳۰۸-۲۱

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه‌ی اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه‌ی اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال